

# نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۳۴ - پنجشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۰ - دوره هفتم، سال سوم  
۲۳ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

## ملاک واقعیت

بر مبنای تجربه  
یگانه ملاک برای  
اتخاذ مشی درست  
ومفید و مؤثر در  
سیاست خارجی است

صفحه ۲

درباره برخی «استدلالات» و بهانه‌ها، که برای باز هم به تعویق انداختن بند «ج» و «د» عرضه میشود:

### باید هر چه زودتر بند «ج» و «د» را اجرا کرد

برای آنکه انقلاب شکست نخورد و نظامی طاغوتی مستقر نگردد

صفحه ۵

## امام خمینی: اگر می‌خواهید از صحنه بیرون‌تان نکنند،

### پذیرید قانون را

- شما ها به بن بست رسیدید... شما ایستادید تا پای اینکه ایران نباشد. دست بردارید از فصولیما
- من بعضی روحانیون را از شمر هم بدتر میدانم.
- غلط میکنی قانون را قبول نداری، قانون ترا قبول ندارد.
- بعد از اینکه یک چیزی قانونی شد... اگر بخواهد مردم را تحریک بکنند، مفسد فی الارض است.

### مردم در انتظار حل مسائل بنیادی کشور توسط مجلس هستند

مجلس شورای اسلامی ایران، امروز ۷ خرداد، یک ساله میشود. این مجلس، که مهترین ارکان انتخابی برآمده از انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، آنچنان که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گفته‌اند، وظیفه سترک تنظیم قوانین مترقی را که رفاه ملت در آنها به بهترین وجه ملاحظه شده باشد... (از پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس) دارد. به همین دلیل است که چشم‌های منتظر و امیدوار زحمتکشان ایران به راستی بدین ارکان از انقلاب برآمده، دوخته است. امام خمینی خود در این مورد تصریح کرده‌اند که:

«انتخاب شما برای پیاده نمودن عدالت اسلامی، که در طول سلطنت ظالمانه و غاصبانانه رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودند، رؤیای که ثروت سرشار کشور را به خورد هم‌پیمانان نامیمون خود اختصاص داد... و کشور را در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به اجانب مخصوصاً امریکا کرد... (است...)» (از پیام امام خمینی)

با چنین وظیفه مهمی، وظیفه‌ای که مردم، انقلاب، و رهبران انقلاب، بر عهده مجلس گذاشته‌اند، روز ۷ خرداد سال گذشته، ۲۱۰ نفر از سراسر کشور، به‌رای مردم، به مجلس راه یافتند و کار آغاز شد. خط و کار مجلس از ابتدا روشن بود:

## دلاوری‌های خلق در جبهه‌های جنگ

۹ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه‌های نبرد می‌گذرد. ۹ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون خویش حماسه می‌آفرینند. ۹ ماه است که خلق قهرمان ایران برگ برگ رهایی خویش را با خون رقم می‌زنند.

آنچه در «نامه مردم» می‌خوانید، لحظاتی از شور انقلابی و حماسه نبرد مردم دلاور ایران است، که بر اساس خاطرات رفقای توده‌ای از جبهه‌های نبرد تنظیم شده است. ما از همه رفقای حزبی، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شاهد حماسه آفرینی خلق در جبهه‌ها بوده‌اند، تقاضا میکنیم که با ارسال خاطرات خود، ما را یاری کنند.

### حماسه ۸ پاسدار

مجروحان هم‌فایق بر گشته‌اند. شهدا هم پیروز آمده‌اند. آنکه دیگری دست ندارد، پیروز است. دختری که پایش را از دست داده پیروز است. و آنانکه بر ستیغ ارتفاعات، زمین پاک وطن را از لوث متجاوزان پاک می‌کنند، حتما سرود پیروزی را به باد می‌سپردند، تا به چهارسوی وطن ببرد.

این یکی از فاتحان است. یکی از فاتحان اصلی «بازی دراز»

بزحمت ۲۰ سال دارد. جامعه پاسداری‌اش غرقه در خون است. در دم‌های مرگ، در آن لحظات که پای بن‌شانه مرگ میکشاند، تازندگی را فتح کند، حماسه فتح را به ثبت تاریخ می‌دهد.

«حملة کردیم. حمله جانانه‌ای بود و چه شایسته و روزها که انتظار نکشیده بودیم. اکنون زمان پورش بود. عشق به انقلاب و میهن جانمان را شعله می‌زد. پاسدار، ارتشی و داوطلب سنگر به سنگر جلو می‌رفتیم. این خاک مقدس بود که خون نیاکان ما آن را

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دیروز در مقابل نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که به مناسبت نخستین سالگرد آغاز کار مجلس، به حضور ایشان رسیده بودند، درباره اهمیت قانون و رعایت آن، مطالب مهمی مطرح کردند.

امام خمینی در قسمتی از سخنان خود ضمن تأکید بر نقش تاریخی روحانیت مبارز، آنان را که روحانیت مبارز را مورد حمله قرار میدهند، مورد انتقاد قرار دادند و ضمن تأکید بر آنکه کلیه روحانیون مورد نظر ایشان نیستند و اینکه: «من بعضی از روحانیون را از شمر هم بدتر میدانم»، از روحانیت انقلابی و مبارز دفاع کردند.

امام خمینی در قسمتی دیگری از سخنان خود اشاره کرد که تلاش می‌کنند کشور را به بن‌بست بکشانند، شدیداً به بن‌بست گرفتند و در پاسخ به کسانی که کشور را در بن‌بست توصیف می‌کنند، گفتند: «هی نشینید، اون از آنور بخواد او را از این ببرد، اون از اونور بخواد اون را از این ببرد و مساله را به بن‌بست برساند و مملکت را. شما به بن‌بست رسیدید. اشتباه میکنید. مملکت اسلام که به بن‌بست نمی‌رسد، همین مردم، همین پیرزنان و پیرمردها و جوانان و بچه‌ها از این بن‌بست پیرون می‌آورند این مملکت را. شماها به بن‌بست رسیدید. می‌گوئید خوب چه بکنیم، بگذارید اسلام نباشد تا ما باشیم. بگذارید ایران نباشد تا ما باشیم. شما ایستادید تا پای اینکه ایران نباشد. دست بردارید از فصولیما».

امام خمینی ضمن تأکید مجدد بر سال قانون و ضرورت برقراری قانون، گفتند:

من اول سال به آقایان عرض کردم که این سال خوبست که سال اجرای قانون باشد. باید حدود معلوم شود. آقای رئیس‌جمهور حدودش در قانون اساسی چی است. یقیناً آنور بگذارند، من باهاش مخالفت می‌کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. آقای نخست‌وزیر حدودش چقدر است. از آن حدود نباید خارج بشود. بقیه در صفحه ۴

### توسط رزمندگان جمهوری اسلامی ایران: ارتفاعات شحیطیه در جنوب الله اکبر آزاد شد

در ادامه نبرد دلاورانه رزمندگان جمهوری اسلامی ایران علیه متجاوزگران صدامی، در چند روز اخیر، این دلاوران به پیروزی‌های دیگری نائل شدند.

به موجب اطلاعیه شماره ۵۱۴ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، روز ۴ خرداد ۶۰ ارتفاعات شحیطیه واقع در جنوب های دیگری نائل شدند. بقیه در صفحه ۴

### شصتمین اجلاسیه «اوپک» کار خود را با موفقیت پایان رسانید

شصتمین اجلاسیه «اوپک» - سازمان کشورهای صادرکننده نفت، این بار در ژنو برگزار شد. مدت اجلاسیه ۲ روز (روزهای یکشنبه و دوشنبه ۴ و ۵ خرداد) برابر با ۲۵ و ۲۶ ماه ۱۹۸۰م (۱۹۸۰) بود. وزرای دارایی و نفت ۱۳ کشور عضو «اوپک»، به استثنای وزیر نفت ایران، آقای تندگویان، که همچنان در اسارت جنگی رژیم متجاوز صدام است، و رئیس هیئت نمایندگی اکوادور، که بعلت سانحه هوایی برای رئیس‌جمهوری آن کشور، توانسته بود در اجلاسیه شرکت کند، در ژنو حضور یافته بودند. هیئت‌نماینده‌ی ایران، و سفیر اکوادور در سوئیس، نمایندگی کشورهای خود را در اجلاسیه «اوپک» عهده‌دار بودند.

شصتمین اجلاسیه «اوپک» بقیه در صفحه ۴

### آیاری کرده بود و اکنون دشمن بر آن پای می‌کوبد. این فرمان تاریخ بود که باید پای کوبی دشمن را به شیون تبدیل کنیم. قبل از حرکت، همه وصیت‌نامه‌هایشان را نوشتند. همه با شور و امید به دهان باز مرگ می‌رفتند.

ما ۸ نفر بودیم. در جبهه باهم آشنا شده بودیم. هر کس از جانی آمده بود. هر کس با گروه خودش آمده بود. دیگران شهید شده بودند. حالا ما ۸ نفر بودیم و هر کدام از گوشه‌ای از ایران و همه یک‌تن. مثل برق جلو می‌رفتیم. فاصله‌های فرسنگی را گفتی با قدمی پشت سر می‌گذاریم. در جانی ایستاده‌ایم. دشمن همه نیرویش را بسیج کرده و دست به ضدحمله زده بود. تکلیف ما روشن بود. حتی بند انگشتی نباید عقب می‌رفتیم. ما کنار هم دراز کشیده بودیم و شلیک میکردیم. برای مدت کمی دشمن پیش می‌آمد، کسی نبود که جا خالی کند. از سنگرها می‌فریدیم. خبر دادند که از جناح راست پیشروی دوباره آغاز شده است. خبر آمد که از بقیه در صفحه ۴

# تازه‌های روز

## سپاه پاسداران حمایت کامل خود را از سوریه در مقابل تجاوزات اسرائیل اعلام کرد

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، طی اطلاعیه‌ای، پشتیبانی کامل خود را از مردم قهرمان سوریه در مقابل تجاوزات اسرائیل اعلام داشت و تهاجمات گسترده صهیونیسم را که با یاری امپریالیسم چنانیکار آمریکا انجام می‌شود، محکوم کرد. در این اعلامیه از جمله گفته می‌شود:

دیار دیگر صهیونیسم غاصب با یاری امپریالیسم چنانیکار تهاجمات گسترده‌ای را علیه خواهران و برادران مسلمان ما بر علیه سوریه و در جنوب لبنان تدارک‌گویی می‌نماید و همه‌روزه به اشکال مختلف و پنهانه‌های گوناگون عزیزان ما را به خاک و خون می‌کشند. و از این سو رژیم خائن و وابسته حاکم بر عراق بدستور آریایان امپریالیست و صهیونیستی که نه تنها امکان مبارزه با صهیونیسم غاصب را از برادران مسلمان عراقی ماسلب نموده، بلکه با جنگ تحمیلی و تجاوز به زمین‌های مسلمانان ایران ما را نیز در یاری رساندن به خواهران و برادرانمان در سوریه و جنوب لبنان و در فلسطین اشغالی با مشکلاتی مواجه ساخته است. امروز عوامل و عناصر دست نشانده حاکم بر عراق با تجاوز به جمهوری سوریه و خویشتن بیشترین مبارزه را علیه امریکای چنانیکار و غاصبان پلید فلسطین عزیز داشته عملاً در جهت تقویت صهیونیسم گام بر میدارد. زمینه‌ساز شرایطی شده‌اند که غاصبان فلسطینی به خودرکت داده و حملات خویشتن را به سرزمینهای اسلامی گسترش می‌دهند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پناهی رسالت و وظیفه اسلامی و انقلابی خویشتن در جهت حمایت از امت اسلامی و دفاع از مستضعفین جهان پشتیبانی کامل خود را از مردم مسلمان و مبارز سوریه در برابر تجاوزات صهیونیسم و مزدوران امپریالیسم اعلام می‌دارد و انتظار روزی است که در کنار برادران مسلمان خود در سوریه و لبنان همراه با رزمندگان عراقی آزاد شده از بند صدام دستگیری واحد علیه تجاوزگران صهیونیست و برای نجات قدس عزیز بجنگند.

نامه مردم پشتیبانی «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» از مردم سوریه در مقابل تجاوزات آمریکا-اسرائیل در راستای سیاست ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران است. همکاری ایران انقلابی با سوریه نشان می‌دهد که ایران در کنار کشورهای مترقی و ضد امپریالیستی جبهه پایداری قرار دارد. این پشتیبانی می‌تواند زمینه‌ساز یک همکاری گسترده برای مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم در منطقه باشد.

## نماینده مجلس آریامهری آزاد شد!

بر اساس اطلاعات رسیده، عباس میرزایی، نماینده مجلس آریامهری، که مدتی قبل دستگیر شده بود، آزاد شده است. وی که هنوز آثار ضرب و شتم و حشایش‌هاش بر بدن کارگران قدیمی دختیان، در جریانات پس...

## آقایان لیبرالها! پرونده‌سازی بی فایده است، پروتکل مذاکرات با برژینسکی را منتشر کنید!

روزنامه «میزان» «اخلاق اسلامی» خود را به آنجا رسانده که، بعد از تکرار مکرر فحش‌ها و اتهامات سواکساخته علیه حزب توده ایران، دست به پرونده‌سازی هم علیه حزب ما زده است. از گمان سرمایه‌داری لیبرال ایران، که از آغاز پخش «بحث آزانه» تلویزیونی حسابی عصبانی است و مدام دندان قروچه می‌زود، مدعی شده است که گویا در قسمت دوم «بحث آزانه» درباره مسائل سیاسی، «ارتباطاتی» بین حزب توده ایران و شوروی «کشف» شده است. البته این اولین بار نیست که آقایان لیبرالها برای لوٹ کردن برخی ارتباطات، که کوس رسوائی‌اش مدت‌هاست از بام لانه جاسوسی و جلسه مذاکره با برژینسکی، افتاده، تلاتر می‌کنند که برای حزب توده ایران هم «ارتباطه» کشف کنند.

ولی بهتر است آقایان لیبرالها بجای پرونده سازی و شاتاز، فکری بچال ۱۰ جلد اسناد لانه جاسوسی بکنند، که در مس چهار-راهها فروخته میشود و ۹۹ درصد آن مربوط به ارتباطات برخی با لانه جاسوسی است. و بالاخره آقایان پیروان خط برژینسکی باید این درس کوچک را از تاریخ گرفته باشند که پرونده سازی برای حزب توده ایران دردی را در دمان نمی‌کند. پس بهتر همان است که پروتکل مذاکرات خود را با برژینسکی منتشر کنند. آخر این کار «کوچک»، که اینقدر، کشی دادن لازم ندارد!

## سخنگوی هیئت سه نفری: مطالبی که تحت عنوان «کی باید برود» نوشته‌اند (مهندس بازرگان) منشاء تفرقه و تشتت و تخلف قطعی از بیانیه امام بوده است

حجت الاسلام محمد یزدی درباره مسائل مورد بحث در آخرین جلسه هیئت سه نفری، از جمله گفت: «ابتدا دیداری با آقای بازرگان داشتیم. ایشان چون معتقد بودند که در کشور بحران و بی‌بستی وجود دارد، به خدمت امام رسیده بودند که بمطالعات را با ایشان در میان بگذارند. امام فرموده بودند مطالبات را با هیئت سه نفری مطرح کنید».

وی افزود: «در این جهت ابتدا طبق قرار قبلی مذاکراتی با ایشان داشتیم. ایشان برحسب اعتقاداتشان که در روزنامه هم منعکس کرده بودند، فکر می‌کنند که در کشور بحران و بی‌بستی وجود دارد، در صورتیکه این بحران تخیلی را بعضی از روزنامه‌ها ایجاد میکنند و میدان فعالیت گروهکها را بیشتر و تکرانی کاذب در میان مردم بوجود می‌آورند. در حالیکه مردم شهیدپرور و انقلابی کشور ما راه خود را یافته و با آرامی و موفقیت در همه جبهه‌ها به پیش می‌روند».

آقای یزدی افزود: «موقتی‌های اخیر جبهه‌های جنگ و رزمندگان اسلام از ارتش، سپاه و سایر نیروهای مردمی بهترین دلیل بر مدعای ماست».

حجت الاسلام یزدی همچنین گفت: «ما ضمن شنیدن مطالب ایشان و گفتگوهایی که انجام شد، خود ایشان هم طرف قضیه را گرفتند و در رابطه با مطالبی که اخیراً تحت عنوان «کی باید برود» نوشته بودند، صحبت شد که طرح این مسایل بحث‌انگیز و منشاء تفرقه و تشتت افکار و تخلف قطعی از بیانیه امام بوده است و حضوراً تصریح شد که از نوشتن این قبیل مطالب جدا خودداری کنند».

کشور، به ایجاد عرضه انسانی مصنوعی نفت در بازار جهانی موفق شده، بطوریکه هم‌اکنون بیش از ۲ تا ۲۵ میلیون بشکه، بیش از تقاضای بازار جهانی، نفت به بازار عرضه می‌شود. بر همین مبنا و با ایجاد ذخایر مصنوعی نفت، چه در آمریکا و چه در کشورهای اروپای غربی، انحصارات امپریالیستی به کاهش قیمت نفت در بازار آزاد موفق شده‌اند.

انتظار محافل امپریالیستی آن بود که ایجاد چنین وضعی در آستانه تشکیل اجلاس «اولیک» موجب کاهش قیمت‌های پایه نفت گردد. در محافل نفتی غرب حتی از تثبیت قیمت‌های پایه نفت برای سال آتی ۱۹۸۲ سخن می‌رفت. قبل از اجلاس «اولیک» اعلام شد که در این زمینه از عربستان سعودی اطمینان قطعی گرفته شده است.

صحنه‌سازی دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی علیه «اولیک» تنها به اقدامات یاد شده محدود نبود. در هفته‌های اخیر ما شاهد آن بودیم که رسانه‌های گروهی دول غربی بصدور از اکتشاف منابع و ذخایر جدید نفت خبر می‌دادند. و اینکه همین منابع، دولت انقلابی ایران را به معاملات غیر مجاز نفتی و حتی فروش نفت به اسرائیل و آفریقای جنوبی متهم می‌ساختند. وزارت نفت دولت جمهوری اسلامی ایران، پندرتی این اخبار و جعلیات محافل امپریالیستی را تکذیب کرد. در شرایط یساز شده، و در محیط تبلیغاتی که دول امپریالیستی سعی دارند گناه تورم‌فزایی‌شان را به کشورهای نفتی نسبت

## پیام شادباش

هواداران حزب توده ایران در بریتانیا به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای عزیز! گرمترین شادباشهای ما را به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بپذیرید. خواستار پیروزیهای بیشتر حزب توده ایران و انقلاب شکوهمندمان هستیم. هواداران حزب توده ایران در بریتانیا

## دلوریهای خلق...

بقیه از صفحه ۱  
چنانچه چه بچه‌ها باز یورش می‌برند. تنها در جبهه‌ها بود که دشمن با همه نیرویاری می‌کرد و جلو می‌آمد. همانطور که شلیک می‌کردیم، یکی از بچه‌ها گفت: «تاکت‌ها دارند می‌آیند» - تاکت‌ها می‌آمدند. در تاکت زمین را شیار می‌زدند و جلو می‌آمدند. همه بهم نگاه می‌کردند. در پیوند نگاهها، عزم راسخ انقلاب فریاد میشد: «تکان نمی‌خوریم» - تاکت‌ها نزدیکتر میشدند. شلیک می‌کردیم و تاکت‌ها می‌آمدند. حالا در فاصله‌ای بودیم، که گذشتن زنجیرشان را از زوری استخوانهایمان حس می‌کردیم. سایه شومشان بر سرمان گسترده میشد. همه با هم گفتند: «نارنجکها...»

و نارنجکها را به تن خود بستند. می‌خواستیم یا فریاد خود جهان را مفتخر کنیم. دلم می‌خواست جانم را می‌دادم و یک نارنجک می‌گرفتم. تاکت‌ها آمدند. هیچکس تکان نخورد. زنجیره تاکت را مثل کوهی از آهن در مرز مرگ و زندگی می‌دیدیم. بچه‌ها فریاد زدند: «الله اکبر... درود بر خمینی! - مرگ بر آمریکا! - صدای انتحار شنیدم و دیگر هیچ».

پاسدار جوان سکوت می‌کند. سربازی به پاهایش، که زیر زنجیر تاکت له شده، نگاه میکند - و پایان حماسه را شرح می‌دهد: «تاکت‌ها از روی ۸ پاسدار گذشتند. نارنجکها منجر شدند و خون پاسداران راه یورش را در این جبهه هم سد کرد. تاکت‌ها از کار افتادند و حمله عمومی آغاز شد. فقط این یکی زنده ماند. بقیه له شدند. زیر زنجیرهای تاکت و در انفجار نارنجکها، با خاک یکی شده‌اند. تنها کاکل یکیشان را بدست آوردیم».

سرباز سکوت می‌کند، پاسدار جوان لبخندی می‌زند و سرش فرو می‌آورد. او به ۷ یا ۸ دلوروش پیوسته است. ۸ پاسدار قهرمان، که حساسه فتح را به نام آنها رقم زده‌اند.

اهمیت پیروزی اجلاسیه اخیر سازمان کشورهای صادرکننده نفت نمی‌کاهد، بلکه قابلیت‌های و نیرومندی بیشتر «اولیک» را عرضه می‌دارد. دیگر حتی عربستان سعودی هم، با وجود داشتن مواضع بسیار قوی در نفت، قادر نیست «اولیک» را از اتخاذ تصمیمات ضرور بسود اعضای خود بازدارد، و حتی ناگزیر است به تصمیمات «اولیک» گردن بگذارد.

«اولیک» آینده‌بازم در خنثی‌سازی در پیش دارد. دوران سلطه انحصارات غارتگر بین‌المللی نفت و دول امپریالیستی بر کشورهای نفت‌فروش در حال رشد رو به افول کامل است. ملل این کشورها، با الهام از مبارزات پیروزانم خود، منجمه پیروزی‌های انقلاب شکوهمند مردم ایران، با اعتماد بیشتری می‌توانند برای استفاده حقوق ملی خود به مبارزه برخیزند.

## جلسه عصر دیر روز مجلس

مجلس شورای اسلامی، عصر دیر روز جلسه علمی داشت. در این جلسه قبل از آنکه مجلس وارد بحث درباره بودجه شود، دوفت از نمایندگان سخنرانی کردند. همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی در این جلسه سخنانی درباره دیدار صبح نمایندگان با امام خمینی و سخنان رهبر انقلاب، ایراد کرد. رئیس مجلس در این جلسه خود تأکید کرد که مجلس شورای اسلامی، می‌تواند پس از راحته به بررسی و تصویب قوانین بپردازد و اینکه مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از تأیید شورای نگهبان، تردیدناپذیر است. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین تأکید کرد که ملت و مولکین باید ناظر کار مجلس باشند و ببینند که چه کسی از فرمان امام خمینی عدول میکند.

## رفیق یعقوب مرجانی را از زندان کرمانشاه آزاد کنید

رفیق توده‌ای «یعقوب مرجانی» مدت ۲ هفته است که بدون هیچ مجوز قانونی در زندان دیزل آباد کرمانشاه در بند است. بازداشت این رفیق توسط کمیته انقلاب اسلامی صحنه و بدون ارائه هیچ گونه دلیلی صورت گرفت. در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۶۰، نشریات حزب توده ایران و از جمله «نامه مردم» در صحنه جمع‌آوری و به کمیته انقلاب اسلامی این شهرستان برده شد. مسئولین این کمیته در مقابل مراجعه رفقای ما برای دریافت نشریات، ابتدا مدعی شدند که گویا «نامه مردم» اجازه انتشار ندارد. آنان هنگامیکه با حکم دادرسی انقلاب اسلامی کرمانشاه مبنی بر آزادی نشریات حزب توده ایران برخورد کردند، بجای استرداد فوری نشریات و تسخیر برخورد نادرست قبلی خود، رفیق یعقوب مرجانی، حامل این حکم را، مضروب کردند و به زندان انتقال دادند. افرادی از این کمیته نیز این عمل خلاف قانون خود را با تمهت و ناسزا به حزب توده ایران تکمیل کردند.

ما ضمن اعتراض شدید به این اقدام مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مابین اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب و خلاف مصالح انقلاب، خواهان آزادی هرچه سریعتر رفیق یعقوب مرجانی از زندان دیزل آباد کرمانشاه هستیم. ما همچنین از مقامات مسئول، بخصوص مسئولین کمیته مرکزی انقلاب اسلامی می‌خواهیم که با رسیدگی به اینگونه برخوردهای کمیته انقلاب صحنه، کسانی را که هم خود را نه صرف مبارزه با عوامل ضدانقلاب، بلکه صرف جلوگیری از فعالیت نیروهای مدافع انقلاب قرار داده‌اند، مورد بازخواست قرار دهند و این ارکان حساس انقلابی را از وجود این افراد پاکسازی کنند. این امر بخصوص هنگامی اهمیت زیاد کسب می‌کند که بدانیم عوامل گروک ضدانقلابی شیت (که اخیراً از سوی نهادهای انقلابی منطقه علیه آن افشاکری شده است) اعمال نفوذهایی در کاررگانهای انقلابی این منطقه می‌کنند.

## امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱  
یكقدم کنار برود، با اون هم مخالفت می‌کنم. مجلس حدودش چقدر است، به حدود خودش عمل کند. شورای نگهبان حدودش چقدر است. قوه قضائیه حدودش چی هست. قوه اجرائیه. قانون معین شده است. نمیشود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداریم. قانون ترا قبول ندارم. نباید از مردم پذیرفت که از کسی پذیرفت که ما شورای نگهبان قبول نداریم. نمی‌توانی قبول نداشته باشی. مردم رای دادند به اینها. مردم به قانون اساسی، ۱۶ میلیون تقریباً یا یک قدری بیشتر رای دادند به قانون اساسی».

امام خمینی، در مورد کسبیکه علیه قانون تحریم می‌کنند، گفتند: «بعد از اینکه يك چیز قانونی شد، دیگر نق زدن در او، اگر بخواهد مردم را تحریک بکند، مفسد فی الارض است و باید با او دادگاهها عمل مفسد فی الارض بکنند و اگر نه رای میدهند آرام، با رای آرام هیچکس متخالف نیست. شما می‌گویید که نخر اینکه گفتند اینها اشتباه کردند، ولی ما در مقام عمل قبول داریم».

امام خمینی سپس، بر نقش قانونی قوای مملکتی تأکید کردند و عدول از آنرا مجاز ندانستند: «در مقام تدبیر امور يك مملکت و در مقام اداره يك مملکت، باید همه شماها و همه کسانیکه دست‌اندرکار هستند و همه ملت، پذیرند آن چیزی را که قوانین اساسی پذیرفته است. پذیرند آن چیزی را که مجلس بپس رای میدهد و شورای نگهبان او را موافق قانون و موافق شرع میداند. باید پذیرند اینها را. اگر میخواهید از صحنه بیرونتان نکنند، پذیرید قانون را. نگویید هی قانون و خودتان خلاف قانون بکنید. پذیرید قانون را. همه تان روی مرز قانون عمل بکنید و اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید».

## ارتفاعات...

بقیه از صفحه ۱  
الله اکبر توسط رزمندگان جمهوری اسلامی ایران به تصرف در آمد و از قوای دشمن پاک شد. به موجب این گزارش نبرد برای بازپس گرفتن دیگر مناطق تصرفی از سوی ارتش صدام همچنان ادامه دارد. این گزارش می‌افزاید که رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های آبادان و خوزین شهر با اجرای آتش بر روی مواضع دشمن، يك تاکت، يك تفرقه ۲۰۶ میلیتری، يك قیسه آر - ۲، ح. ج. هفت، ۳ خیمه‌ها اندازه

## شصت‌مین اجلاسیه...

بقیه از صفحه ۱  
چندین مسئله در دستور کار خود داشت: انتخاب دبیر کل جدید «اولیک» و تعیین محل انستیتوی عالی مطالعات علمی «اولیک» از مسائل سازمانی و تعیین قیمت‌های جدید نفت و کاهش تولید از جمله مسائل اساسی سیاسی بحث و تصمیم گیری این اجلاسیه بشمار می‌رفت.

در مورد انتخاب دبیر کل جدید «اولیک» و تعیین محل انستیتوی عالی مطالعات علمی «اولیک» در نشست اول تصمیم گرفته شد. نونه‌نگوونا از کشور آفریقای غربی گابن برای دوره جدید به دبیر کلی «اولیک» برگزیده شد. انستیتوی عالی مطالعات علمی «اولیک» قیلا قرار بود در آکسفورد در انگلستان تأسیس شود. به ابتکار و تأکید هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران، قرار شد محل دیگری، در یکی از کشورهای جهان سوم، برای تأسیس انستیتوی نامبرده در نظر گرفته شود.

(پیشنهاد ما اینست که این انستیتو در کشورما ایران دائی گردد. کشور ما ایران هم از جهت تقدم در تأسیس صنایع نفت، و هم اهمیت این صنایع در حال رو زریده علمی و فنی، شرایط لازم را برای محل استقرار چنین سازمان علمی-تحقیقاتی بیش از کشورهای دیگر داراست.) مسائل مربوط به تعیین قیمت‌های جدید نفت و کاهش تولید از مسائل اساسی و حیاتی است. در این اجلاسیه...

# ملاک واقعیت بر مبنای تجربه

## یگانه ملاک برای اتخاذ مشی درست و مفید و مؤثر در سیاست خارجی است

آقای محمد علی رجایی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار روزنامه کیهان (که متن آن در شماره ۲۹ اردیبهشت ۶۰ این روزنامه درج شده) مشی سیاست خارجی دولت را نسبت به دیگر کشورهای جهان چنین تشریح کرده اند:

"... ما یک خط کلی داریم... و آن همان خط "نه شرقی و نه غربی" جمهوری اسلامی است، که حالت های صلبی آن نیست که هیچگونه تعابلی به شرق و غرب نداشته باشیم، از نظر تفکر و خط مشی زندگی فقط جمهوری اسلامی باشد که محتوای تفکر ما را مشخص میکند. در ارتباط با کشورهای خارجی یک کمی این را با اصطلاح بازیگری کنیم، ما کشورها را به چهار دسته تقسیم کردیم که در نامه خود به مجلس هم آنرا عنوان کردیم. و آن عبارتست از کشورهای برادر، کشور-های دوست، کشورهای بیطرف و کشورهای متخاصم یا کشورهای که با آن رابطه عادی نداریم و آنرا دشمن میدانیم. این تقسیم بندی است که ما در مورد کشورهای داریم و بر اساس آنهم با آنها رفتار می کنیم. کشورهای برادر کشورهای هستند که صددرصد انقلاب اسلامی را می پذیرند و بر اساس آنهم زندگی می کنند. کشورهای دوست کشورهای هستند که مردم آنها اعتقاد اسلامی دارند، ولی دولت ها صددرصد یا مردم منطبق نیستند. کشورهای بیطرف (بیطرف) که با آنها رابطه عادی داریم، آنها شی هستند که مردم آنها و دولت آنها سعی میکنند به ابر قدرت ها متکی نباشند، ولی اعتقاد اسلامی در آنجا حاکم نیست و با آنچه کشورهای متخاصم کشورهای هستند که مبنای یک نظام جمهوری اسلامی در حال مبارزه هستند. این مبارزه میتواند مبارزه مسلحانه باشد مثل عراق و یا میتواند مبارزه سیاسی باشد مثل بسیاری از کشورهای که پشتیبان عراق هستند، مانند آمریکا و شوروی و کشورهای نظیر اینها.

نظریه اینکه عرصه فعالیت سیاسی یکی از مهمترین عرصه های فعالیت هر دولت، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران است، نظریه ای است که آقای رجایی در مقام نخست وزیر هستند و در ضمن عهده دار سرپرستی وزارت امور خارجه و اجرای سیاست خارجی کشورند، و نظریه اینکه این "تقسیم بندی کشور" های جهان (که شرح آن رفت) از طرف ایشان در برنامه دولت به مجلس شورای اسلامی نیز ارائه گردیده - تقسیم بندی "مذکور اهمیت درجه یک کسب میکند و بنابراین ما به جهت وظیفه های که در قبال انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر عهده داریم، لازم میدانیم که نظرات قادی خود را نسبت به همین "تقسیم بندی" بیان داریم. ابتدا "تقسیم بندی" را بررسی کنیم:

"کشورهای برادر" کشورهای هستند که صددرصد انقلاب اسلامی را می پذیرند و بر اساس آنهم زندگی می کنند.

چنین کشورهایی متواترند الجزایر سوریه و بویژه لیبی باشند. ولی این هر سه کشور، از جمله لیبی، در مبارزه های که هم اکنون با امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و با دیگر دولت های منطقه ای طرفدار آمریکا انجام میدهند. بنا به گفته معمر قذافی رهبر لیبی - "متکی" به دوستی، همکاری و حمایت اتحاد شوروی هستند چون "متکی" به اتحاد شوروی هستند - بنا به تشریح فوق از فهرست "کشورهای برادر" خارجی می شوند. غیر از اینها هیچ کشور دیگری در جهان نیست که "صددرصد انقلاب اسلامی را پذیرفته باشد و بر اساس آن هم زندگی کند" و "متکی" هم نباشد. بنابراین، "کشورهای برادری" با چنین خصوصیات، وجود خارجی ندارند که ما بتوانیم با آنها مناسبات برقرار کنیم پس بخش یکم از تقسیم بندی چهارگانه حذف میشود.

کشورهای دوست کشورهای هستند که مردم آنها اعتقاد اسلامی دارند، ولی دولت ها صددرصد با مردم منطبق نیستند.

چنین کشورهایی میتوانند مصر، مراکش، سودان، ترکیه، اردن، عربستان سعودی، عمان، پاکستان،

اندونزی و دیگر کشورهای باشند که مردم آنها مسلمانند، ولی دولت های آنها با مردم آنها منطبق نیستند. ولی دولت های همین کشورها، بدون استثنا، "متکی" به "غرب" هستند و پاره ای از آنها به عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران کمک میکنند پس کشور "دوستی" که مردمش مسلمان و دولتش با مردم منطبق نباشد و در عین حال متکی به "غرب" نباشد. وجود خارجی ندارد. بنابراین بخش دوم نیز از تقسیم بندی چهارگانه حذف میشود.

اما کشورهای "بیطرف" به نظر میرسد که منظور از کشورهای "بیطرف" کشورهای "غیرمتعهدند"، والا کشور "بی طرف"، به معنای کشوری که به صورتی منفعل بی طرفی اتخاذ کرده باشد، موجود دارد و نه میتواند وجود داشته باشد.

چنین کشورهای "غیرمتعهد" نیز در آغاز نه برای اتخاذ موضع بی طرفی، بلکه برای مبارزه با امپریالیسم، استعمار و نژادپرستی وجود آمد. مشخصه این کشورها - خودداری آنها از شرکت در بلوک بندیهای نظامی است. این موضعگیری و آن مبارزه مورد تأیید و مورد پشتیبانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است. سپس در جریان تحولاتی که در این جنبش به وجود آمد، در واقع کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد "تا به دو گروه تقسیم شدند: گروه کشورهای که خط سیاسی آنها متکی به همکاری با امپریالیسم است (که اقلیت را تشکیل میدهند) و گروه کشورهای که خط سیاسی آنها مبارزه بر ضد امپریالیسم و در راه تحکیم استقلال است و متکی به همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است. آقای بهزاد نبوی، که در کنفرانس اخیر "غیرمتعهد" ها شرکت کرده اند، میتوانند شهادت دهند که در بین آنها حتی یک کشور "بیطرف"، حتی یک کشور که خط سیاسی آن متضمن همکاری با کشورهای امپریالیستی یا سوسیالیستی نباشد، وجود ندارد. بنابراین در زمره کشورهای "غیرمتعهد" نیز کشوری یافت نمی شود که ما بتوانیم با آن مناسبات برقرار کنیم. پس این بخش سوم نیز از فهرست تقسیم بندی چهارگانه حذف میشود.

باقی می ماند بخش چهارم - کشورهای متخاصم، که از نظر آقای رجایی باید عراق و آمریکا و شوروی و کشورهای نظیر اینها را در این بخش گنجانند. با کشورهای متخاصم نیز - ناگفته پیداست - نمیتوان مناسبات برقرار کرد.

بدینسان، با یک چنین تقسیم بندی "کشورهای جهان، نتیجه ای که از نظر سیاست خارجی حاصل میشود، اینست که، غیر از مناسبات خصمانه با دولت های متخاصم، ما نمی توانیم و نباید با هیچیک از دولت های جهان مناسبات برقرار کنیم، نه برادرانه، نه دوستانه و نه عادی، چون چنین کشورهایی، با مشخصاتی که ذکر آنها رفت، در جهان وجود ندارند. به عبارت دیگر، طبق این "تقسیم بندی"، دولت جمهوری اسلامی ایران باید با تمام کشورهای جهان قطع رابطه کند!

چرا یک چنین نتیجه ای از چنان "تقسیم بندی" به دست می آید؟ برای اینکه این "تقسیم بندی" تصنعی است و نه منطبق بر واقعیت. برای اینکه این "تقسیم بندی" ذهنی است و نیز برای اینکه مقوله "مردم" و مقوله "دولت" در

آن خلط شده، یعنی باین واقعیت توجه نشده است که "مردم" تمام کشورها (چه آنها که هنوز زیر یوغ استعمار یا استعمارها ساخته اند) همه جا موافق و هوادار انقلاب ایرانند، زیرا انقلاب ایران از لحاظ محتوای خود ضد - امپریالیستی، استقلال طلبانه مردمی است، ولی دولت های کشورهای مختلف، باید در جرات مختلف موافق و هوادار و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند و باید در جرات مختلف مخالف و خصم آن. در واقع نیز اگر ما بخواهیم کشور-های جهان را تقسیم بندی کنیم، این تقسیم بندی فقط بر مبنای موضعگیری دیگر کشورهای جهان نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میتواند درست باشد.

جهان در واقع، اگر بطور کلی در نظر گرفته شود، به دو جنبه تقسیم شده است: جنبه امپریالیسم و جنبه ضد - امپریالیسم. در جنبه امپریالیسم، هم دولت های قراردادنکه مردم کشورهای آنها مسلمانند (مانند مصر، سودان، مراکش، عربستان، اردن، عمان، پاکستان، ترکیه، عراق، امارات عربی و غیره) هم دولت های که مردم آنها غیر مسلمانند (مانند همه دولت های امپریالیستی و همچنین کشورهای مانند اسرائیل، آفریقای جنوبی و غیره) در راس این جنبه، امپریالیسم آمریکا قرار دارد، که دشمن اصلی ماست.

در جنبه ضد امپریالیستی نیز، هم دولت های قراردادن که مردم آنها معتقد به اسلام اند (مانند الجزایر، سوریه، لیبی، یمن، دموکراتیک و غیره) و هم دولت های که مردم آنها مسلمان نیستند (مانند تمام دولت های سوسیالیستی و همچنین کشورهای مانند آنگولا، موزامبیک و غیره) در مرکز این جنبه اتحاد شوروی قرار دارد.

هرگونه تقسیم بندی دیگری که این دو جنبه را مخدوش و مغلوط جلوه دهد، از جمله تقسیم بندی امپریالیستی - مائوئیستی سه جبهه ای تقسیم بندی کشورهای به صنعتی و غیر صنعتی، تقسیم بندی کشورهای به شمالی و جنوبی و غیره، و غیره واقعیتی و زبانشناسی برای خلق ها و کشورهای است که برای رهائی خود از یوغ استعمار و استعمار، برای کسب و حفظ و تحکیم استقلال خود، مبارزه می کنند.

ما در عمل نیز، اگر نخواهیم واقفیات را نادیده بگیریم، به روشنی می بینیم که جنبه امپریالیستی، و در راس آن آمریکا، با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مخالف و خصم است و جنبه ضد امپریالیستی موافق و دوست. آمریکا، که در راس جنبه امپریالیستی قرار دارد، تاکنون هر آنچه توانسته برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار برده است، شرح توطئه های آمریکا را همه میدانیم و لذا از شرح مکرر آنها می گذریم. ولی اتحاد شوروی، برعکس، هر چه توانسته در حمایت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام داده است، در مواردی بدون درخواست ما، مانند هشدار جدی مکرر به آمریکا در مورد مداخله نظامی او در امور داخلی ایران، تزویر در تحریم اقتصاد ایران، قطع تحویل اسلحه به عراق، و در مواردی نیز بر مبنای گفتگوها و توافق های متقابل بین دو دولت، همه دیگر کشورهای جنبه ضد امپریالیستی نیز (کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی، کوبا، کره، الجزایر، یمن، دموکراتیک و غیره) - حمایت خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران رسماً اعلام و عملات کرده اند.

استقلال نام و تمام عدم وابستگی به هیچ کشور خارجی، اعم از غربی یا شرقی، باشد. بنابراین صورت اگر کشورهای "شرقی" در عمل تمامیت ارضی، حق حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی، برابری حقوق، سود متقابل عادلانه را نسبت به ما رعایت کردند (که کرده اند)، آنگاه دیگر لاقیل حیرت انگیز خواهد بود که ما دست دوستی آنها را نپذیریم که سهل است، آنها را در کنار آمریکا و عراق، به عنوان خصم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دهیم.

یگانه ملاک برای اتخاذ مشی درست و مفید و مؤثر در سیاست خارجی ملاک واقعیت بر مبنای تجربه است. هر ملاک دیگری که واقع بینی و واقعیت را مخدوش کند، راه به گمراهی زبان بخش میدهد.

## هندوراس پایگاه امریکای علیه دولت انقلابی نیکاراکوئه و خلق رزمنده السالوادور

نام رسمی ریپوبلیکاد هندوراس (جمهوری هندوراس) .  
وسعت: ۱۲۰۸۸۱ کیلومتر مربع .  
جمعیت: ۳/۷ میلیون نفر (۱۳۵۹) ، میانگین رشد سالانه جمعیت در سال های ۵۳-۱۳۴۰ ۳/۱ درصد و در سال ۱۳۵۷ ۲/۸ درصد بود. بیش از نصف جمعیت هندوراس جوانتر از ۱۸ ساله هستند و دوسوم سکنه در روستاها زندگی می کنند.  
ترکیب نژادی - قومی جمعیت: ۹۱ درصد دورگه، ۶ درصد ایندیو، ۲ درصد آفریقایی - آمریکایی و ۱ درصد سفید پوست (کریول).  
پایتخت: تخوسینخالپا (۳۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵) ، دومین شهر بزرگ: سان پدروسولا (۱۴۸ هزار نفر در سال ۱۳۵۳) .  
زبان رسمی: اسپانیایی .  
پول: المپرا = ۱۰ سنتاوس = ۱ دلار ایالات متحده .  
بقیه در صفحه ۶



هندوراس در قاره آمریکا

# اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان، در مشهد

جهان گرامی باد، حیات یک ملت مرهون کار و کارگر است (امام خمینی) و شعارهای دیگری مربوط به کار و زحمت یونانده شده بود.

در پیشاپیش صف راهپیمایی کارگران مسلح کارخانه‌ها و اعضای بسیج مستضعفین کارخانه‌ها در حرکت بودند. پشت سر آن‌ها ستون عظیمی از کارگران زن کارخانه‌های کمپوت، مسرله، زین، زحمتکش دیگر از راه می‌رسید. بدنبال آن‌ها ساندیگانها، شوراهای کارگری، انجمن‌های اسلامی کارگران کارخانه‌ها و واحدهای خدماتی همچون دانه‌های زنجیربهم بیوسته در حرکت بودند. از بلندگو شعار: "اختلاف اختلاف تو طوطی آمریکا"، "اتحاد اتحاد فرسان رهبرما" برمی‌خاست. انگار بمبی در زیر دریا منفجر شده باشد اینو جمعیت به جوشش می‌آمد، امواج خروشان آن امپریالیسم آمریکا، این دشمن شماره یک کارگران، زحمتکشان و هممنبروهای انقلابی جهان را به زیر تازیانه‌های رنگارنگ خود می‌گرفت. پلاکاردها در دستهای پینه بسته آنها محکم فشرده می‌شد. در روی بعضی پلاکاردها کارگران خواست‌های خود را مطرح کرده بودند. مثلا بر روی پلاکاردها کارگران کارخانه ایرفرش چنین نوشته شده بود:

"ما کارگران کارخانه ایرفرش خواهان ملی شدن کارخانه رادیاتور سازی ایرفرش هستیم."

اصال برگزاری مراسم اول ماه در مشهد از شکوه و عظمت خاصی برخوردار بود. عزم راسخ طبقه کارگر ایران در دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی مردم ایران محور عمد مراسم اول ماه را تشکیل می‌داد.

اصال کارگران مشهد با تجهیزات و سازوبرگ کاملتری وارد کارزار شدند. قبل از راهپیمایی اول ماه مه، کارگران مشهدی با برگزاری میتینگ‌ها، جشن-ها و مراسم سخنرانی و تئاتر در بعضی واحدهای تولیدی، به پیشواز روز اول ماه مه شتافتند. آنها انگار عازم بیگاری بزرگ بودند. چند روز قبل گردان‌های رزمندگانی که فرار بود بابه عرصه نبرد گذارند، آمادگی رزمی می‌دیدند و با برگزاری مراسم موضعی در واحدهای تولیدی، خود را برای اول ماه مه آماده می‌ساختند.

در مشهد برگزاری مراسم اول ماه مه به جبهه وسیعی تبدیل شده بود که در آن یگان‌های پیکارگر کارگران و زحمتکشان از قبیل سندیگانها، شوراهای اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان، به همراه تمام نهادها و انقلابی، از سیاه پاسداران گرفته تا جبهه سازندگی، انجمن‌های اسلامی و سایر اقشار انقلابی جامعه، تدارکات لازم را جهت تبدیل مراسم اول ماه مه به روز اتحاد و همبستگی تمام نیروهای انقلابی فراهم کردند.

مشهد سیمای دیگری بخود گرفته بود. کارگران کارخانه سیم الکتریک جلسه سخنرانی و تئاتر تشکیل دادند. کارگران صنایع غذایی در سدیگای خود جمع شدند و راجع به تاریخچه اول ماه مه صحبت کردند. کارگران سایر واحدهای تولیدی هریک، به نحوی از انحاء در این عید بزرگ کارگران و زحمتکشان جهان شرکت جستند. یکجا گل پخش می‌شد، جای دیگر شیرینی، بالاخره روز موعود فرارسید.

صفوف منظم کارگران رو به سوی میدان شهدا حرکت کرد. روی پلاکاردها با شعارهای: ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر

## اول ماه مه در مشهد بر روایت تصویر



کارگران مسلح قدرت خود را به نمایش می‌گذارند: آنها تفنگ بر دوش گرفته‌اند تا درسنگر مقدم جبهه‌ها از انقلاب دفاع کنند. همانطور که با طرد هرگونه کم‌کاری و اعتصاب و اخلاف در تولید مخالفانند، تاپشت جبهه‌ها را استوار نگه دارند!



ما کارگران کارخانه رادیاتور سازی ایرفرش خواهان ملی شدن کارخانه هستیم!



دهقانان در کنار کارگران، آنها نیز با نابودی بزرگ مالکی و از طریق مبارزه با امپریالیسم آمریکا، از استوارترین نیروهای انقلابی جامعه هستند.

## اخراج يك کارگر بعلت نصب سخنان امام خمینی در محل کار!

کردن محروم نمی‌شود. تازه از همایش‌ها که بگذریم به این جامی رسیم که: فرض کنیم از کسی خلاصی سرزند، چه کسی باید داوری کند و کدام مرجع وجهه‌های باید حکم بدهد و اجرای حکم بعهده کیست؟ کدام قانون به یک فرد اختیار می‌دهد که، بنا به تشخیص خود، نظر بدهد، داوری کند، حکم صادر کند و سپس در مقام اجرای آن چه که خود مقرر داشته، برآید؟ قدر مسلم این است که در جمهوری اسلامی ایران، تا آنجا که مسئولین گفته‌اند و اسناد قانونی وجود دارد، از چنین ضابطه‌های هیچکس خبردار نیست. به این ترتیب بهتر است دست کم برای اطلاع مردم، مورد استناد قانونی این نمونه‌ها را شاکارهای "قانونی" فرماندار بوشهر روشن شود.

از این نظریه مناسبت نیست اگر یادآور شویم که نظام جمهوری اسلامی ایران و ضوابط مدون قانونی آن - حق حیات، حق برابری عقیده، حق کار و برابری خورنداری از تضمین شغلی را برای شهروندان ایران قانونی کرده‌اند و برای رسیدگی به انواع تخلفات محاکم و مراجع قانونی خاصی نیز وجود دارد.

آیا برای مقام‌های مسئول در محدوده کار خود اختیار آن را دارند که از تبلیغ سخنان امام خمینی بنا به میل و تشخیص خود جلوگیری کنند؟ آیا در شرایطی که در سراسر کشور و بطور رسمی روز کارگر جشن گرفته می‌شود، کسی حق دارد بویژه در یک مقام بلند پایه نظیر فرماندار، جلوتیلفات انقلابی را، که کمترین ایرادی بدان وارد نیست، بگیرد؟

گذشته از همه این موارد، که در جای خود بسیار حساس است و نقض اصولی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده و مورد تأیید همه مراجع مسئول است، و لذا علی-القاعده نباید و نمی‌تواند از جانب یک عنصر مسئول و صاحب مقام به صورت شیوه‌کار و برنامه عمل تلقی شود، آیا به جرم داشتن یک طرز فکر خاص و اندیشه معین، باید کسی را از حق داشتن شغل محروم کرد؟

می‌دانیم که صرف نظر از قانون اساسی همین جندی پیش‌رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس شورای اسلامی و دادستان کل کشور چنین روشی را صریحا طرد کرده‌اند و بارها اظهار داشته‌اند که کسی بصرف داشتن عقاید معین، از کار

روز سه‌شنبه ۱۵/۲/۶۰ فرماندار بوشهر در برخورد به شعارهایی که به مناسبت روز کارگر در کافه رستوران ترمینال این شهر نصب شده بود، خواستار پاک کردن و باره کردن شماره‌ها شد و تاکید کرد که این شماره‌ها "اسلامی" نیست و "توده‌ها" است. اما تمام شماره‌ها عیناً از گفته‌های امام خمینی در باره کار و کارگر بود!

اما این "شاهکار"، همین‌جا خامه‌پیدا نکرد. دستور فرماندار فقط محو سخنان امام خمینی را شامل نمی‌شد، بلکه ایشان روز و شب هفته بعد، طی بیست و یک بار صاحب رستوران ترمینال داشت، از او خواست تا کارگر حسابانده شماره‌ها را اخراج کند! هر قدر صاحب رستوران از افعال بودن این کارگر سخن گفت تا این که قصد اخراج او را ندارد، اتری نکرد. فرماندار همچنان اصرار داشت کارگری که سخنان امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به دیوارها جاسازی کرده بود اخراج شود!

این ماجرا کمترین نیازی به تفسیر اضافی ندارد. آن قدر تویاست که عمق یک فاجعه را نشان دهد. با این همه می‌توان سؤال کرد:

## شرکت تعاونی در و پنجره سازان یرازجان:

### وظیفه کارگران تولید بیشتر و پرهیز از کم کاری و اعتصاب و روزهایی با امپریالیسم، بسر کردگی آمریکاست

و تحمیل و اعتصاب به منظور رویارویی با شیطان بزرگ و کمک هر چه بیشتر و وسیع تر به جبهه‌های جنگ و افشای هر چه بیشتر عوامل داخلی شیطان بزرگ - آمریکا است که شبانه روز برای سرنگونی انقلاب و جمهوری اسلامی ما تلاش می‌کند.

دهقانان و زحمتکشان عزیز!

از شعانی خواهیم در این اوضاع و احوال که کشور ما مورد هجوم همه جانبه و تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا واقع شده، به دعوت خمینی بت شکن رهبر کبیرمان پاسخ مثبت داده و ضمن بالا بردن تولید هر چه بیشتر و کمک‌های مادی و معنوی به جبهه‌های جنگ حق بر علیه باطل، در حفظ و حراست محصولات و خرمن‌های خود بکوشند.

دهقانان عزیز!

خدا انقلاب مشغول تو طوطی و سینه است، بیدار باشید. با پشتیبانی از روحانیت مبارز (بیروخط امام) و مترقی، نهادهای انقلابی (سیاه پاسداران، بسیج مستضعفین، جبهه سازندگی، هیئت هفت نفری تقسیم زمین) خواهان اجرای بند "ج"، ملی شدن بازرگانی خارجی به منظور کوتاه شدن دست بزرگ مالکان و بزرگ سرمایه‌داران، این پایگاههای داخلی آمریکا از اقتصاد و کشاورزی ایران شوید.

در آستانه جشن اول ماه مه، از سوی شرکت تعاونی در و پنجره سازان یرازجان اعلامیه‌ای انتشار یافت. در این اعلامیه از جمله می‌خوانیم:

اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند، وابستگی اقتصادی داشته باشد، هم محور وابستگی دنبالش می‌آید، وابستگی سیاسی هم پیدا می‌کند، وابستگی نظامی هم پیدا می‌کند، برای این که وقتی ما چیزی نداشتیم، دستمان به طرف آمریکا دراز می‌شود، آمریکا همه چیز را به ما تحمیل می‌کند.

(امام خمینی)

### کارگران مبارز!

عید امسال ما در شرایطی برگزار می‌شود که جنگ ناخواسته‌ای بر کشور ما تحمیل شده است. این جنگ تنها جنگ رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیست، تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق حلقه‌ای از تجاوز عمومی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه میهن انقلابی ماست. این بدان معناست که حتی زمانی که تجاوز دارو دسته صدام را نماند، متجاوز از مرزهای کشورمان پایان پذیرد، خطر تو طوطی تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران هم چنان به قوت خود باقی خواهد بود. وظیفه خطیر ما کارگران در این شرایط ویژه، تولید هر چه بیشتر و پرهیز از هر نوع کم کاری

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

در باره برخی «استدلالات» در پاره‌های که برای باز هم به تعویق انداختن بند «ج» عرضه می‌شود.

# باید هر چه زودتر بند «ج» و بند «د» را اجرا کرد

برای آنکه انقلاب شکست نخورد و نظامی طاغوتی مستقر نگردد

## مسئله زمین و دهقانان

ارضی را حل کردیم و شما را صاحب زمین کردیم. بسیاری توانستیم مساحت کل کشور یا حتی مساحت کلیه زمین-دهقانان تقسیم سرانه کنیم و بگویم مسئله مالکیت دهقانان بر زمین بدون اجرای قانون واگذاری اراضی بدون دست زدن به زمین‌های بزرگ مالکان قابل حل است. درست است که اگر بیاییم و هم‌زمین‌های بی انتهای صحرای برهوت و دشت‌های بی آب و علف را، که تا چشم کاری کندگسترده شده، بین دهقانان اسما تقسیم کنیم، شاید بتوانیم از هر خانواده‌ای یک "بزرگ مالک" بسازیم، ولی اینها آن چنان زمینی نخواهد بود که در آن گلی شکفته شود، تا زندگی را شاداب کند، و محصولی برود، که خانواده-ای را سیر کند، و راهی گشوده شود، که مسئله‌ای را حل کند.

همه می‌دانند که وسائل تولید کنونی ما در دهات بسیار ابتدایی است. مقدرات دولتی برای احیای اراضی هم در حال حاضر آنچنان نیست که بتوان میلیون‌ها هکتار یا چند ده میلیون هکتار را قابل کشت کرد و به دهقانان کم زمین و بی زمین سپرد. واقع بینانه و عملی نیست که بگویم مسئله زمین و مهم‌ترین خواست دهقانان تبه‌دست را، که داشتن زمین است، می‌توان با دادن زمین‌های موات حل کرد. بنا بر این اصول مسلم حقانیت و عدالت و حکم انقلاب و تکامل جامعه بجای خود، حتی اگر تنها و تنها ملاک فنی بودن و قابل اجرا بودن را هم در نظر بگیریم، تنها راه عبارتست از اینکه زمین‌های دایر و زمین‌هایی را که مالکان بزرگ بایر گذاشته‌اند به آسانی می‌تواند قابل کشت شود (وجه بسا سابقا) هم کشت می‌شده است) فوراً و بدون استئنا و بنحوی که قانون معین می‌کند (بند های ج و د) به دهقانان تولید کننده واگذار کرد. واضح است که فقط زمین هم، بدون کمک مادی تولیدی و بدون کمک سازمانی برای همیاری، ترتیب کار دهقانانی که صاحب زمین می‌شوند و برای استفاده از وسائل فنی و مالی، مشاعرها را ایجاد کرد و با تکیه به تعاونی‌ها بهترین بهره را از زمین و از وسائل تولیدی و از امکانات موجود گرفت.

بکون تردید استفاده کنونی از منافع آب و خاک بسیار ناکافی و ناقص است و باید دولت انقلابی طبق برنامه دقیق و با گام‌های استوار، افزایش سطح اراضی قابل کشت و تهیه آب ضروری را، که یکی از مهم‌ترین مسائل پایهای اقتصاد کشور ماست، مد نظر خویش قرار دهد. ولی تا رسیدن به این هدف، نمی‌توان حل مسئله حاد و مرموز ارضی و الفای بزرگ مالکی را به تریق انداخت. گره مسئله جزاین نیست.

بنابراین، در باره جنبه اول مسئله، یعنی زمین دار کردن دهقانان زحمتکش، از هر گدیگاه که بنگریم، نظریه زمین دار کردن دهقانان از طریق اعطای زمین‌های موات وافی به مقصد نیست و تنها راه انجام اصلاحات ارضی بنیادی، الفای بزرگ مالکی و بطور مشخص، اجرای بندهای ج و د قانون است.

## مسئله زمین و بزرگ مالکان

اما طرف دیگر مسئله بهیچوجه کم اهمیت تر از این طرف مسئله نیست، و آن اینکه، مقصود از اصلاحات ارضی بنیادی واقعی و نهیسته انقلاب، آن هم انقلابی به عظمت آنچه بنه بدستان و زاغه‌نشینان و کوچ‌نشینان ما انجام دادند، این است که زمین‌ها را به دستار و استکار مادی و معنوی را برکنند و این کار ممکن نیست مگر با از بین بردن قاطع بزرگ مالکی. نظام بزرگ مالکی با طاغوت پیوند دارد. سرمایه‌داری و وابستگی، با ادامه وجود آن ملازمه

در باره جنبه اول مسئله، برخیزیم اظهار عقیده کرده‌اند که بدون اجرای بند "ج" و بند "د" هم می‌توان به کشاورزان زمین داد. در این باره نخستین سوالی که مطرح می‌شود آن است که چگونه زمینی را زمین قابل دادن به کشاورزان می‌دانیم؟ بی‌شک ما حقانیت، عدالت، انقلاب و تکامل جامعه چنین حکم می‌کند.

حق کشاورزان درست همان زمینی است که خودشان و پدرانشان آن را با زحمت‌های شبانه‌روزی خود در گرمای تابستان و سرمای زمستان بارور کرده، با دست‌های پینه بسته خود شخم زده، با عرق پیشانی خود آبیاری کرده، با بی‌خوابیها و تحمل دشواری‌ها و خطرها کشت را نگهداری کرده و محصول را ببار آورده‌اند. به نظر ما بدیهی است که چنین محصولی نباید به اعتبار ارباب و خان زمیندار عمده برود، که هرگز کاری نکرده و در شهر خورده و خوابیده یا در خارجه خوشگذرانی می‌کرده و یا در کنار دربار و درباریان به فسق و فحور مشغول بوده بلکه محصول باید روانه خانه دهقان زحمتکش شود. بنابراین، درست باید بندهای ج و د مربوط به ارضی بایر و دایری، که بزرگ مالکان ستم‌الکنت آن را طبق ضوابط رژیم گذشته در دست دارند، اجرا شود.

اما کسانی هستند که معتقدند زمین بزرگ مالکان می‌تواند به همین شکل بماند و می‌توان زمین‌های دیگر را به کشاورزان داد. در این باره باید یادآوری کرد که، اگر در ایران زمین فراوان است، زمینی نیست که بتواند فوراً مورد کشت قرار گیرد، یا در شرایط خاص و حتی در چند سال آینده بتواند قابل کشت شود. البته میلیونها هکتار زمین شور و مزاروشنی داریم. تمام کویر لوت هم هست. شاید روزی هم برسیم که در آینده، بارشند نیروهای مولده و بهره‌گیری از علم و فن، ایرانیان بتوانند آنها را بارور سازند و دشت‌های سرسبز و حاصل‌خیز بجای کویر و شنزار درست کنند. اما حالا نمی‌توان آن زمین‌ها را به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین داد و گفت: "مسئله

مربوط می‌شود، و از آنجا که یکی از عوامل عمده استضعاف مادی میلیون‌ها زحمتکش روستاهاست و علت اساسی محرومیت‌های بی حساب این توده عظیم هموطنان دهقان ماست، مستقیماً به زندگی و کار میلیون‌ها ایرانی مربوط می‌شود. بنابراین مسئله خاص بند ج و بند د مسئله عام اصلاحات ارضی بنیادی یک مسئله سرنوشتی، یک مسئله سیاسی مملکتی، یک مسئله مربوط به حال و آینده انقلاب ماست. درباره این جهت بسیار اساسی و حیاتی مسئله است که ما نظر خود را، در برابر "استدلالات" رایج کنونی ابراز می‌کنیم.

این مسئله سرنوشتی دو طرف عمده دارد. یکی آنکه میلیون‌ها دهقان بی-زمین و کم‌زمین، که بر اثر سالیان دراز سلطه رژیم سلطنتی و نظام فئودالی بر ستم اربابی نتوانسته‌اند، علیرغم جان‌کندن نسل اندر نسل، صاحب آب و ملکی باشند، به حق مسلم خود، یعنی داشتن زمینی که آن را بارور ساخته و به ثمر رسانده‌اند، بزرگ و در نتیجه، در جمهوری اسلامی ایران، که بدنبال انقلاب شکوهمند کوشش‌های برای استقرار استقلال و عدالت و آزادی و برابری و حقانیت ایجاد شده، دهقانی نباشند که زحمت‌کش و بی‌زمین بماند. عبارت دیگر، دهقانان زحمتکش صاحب زمین خود باشند و به حق خود برسند.

طرف دیگر این مسئله آن است که با نظام بزرگ مالکی چه خواهیم کرد؟ بزرگ مالکی زاینده بدبختی‌های بی-شمار و چپاولگری‌های بی حساب بوده و هست، استضعاف مادی و معنوی ریشه داری ایجاد کرده و می‌کند، تا اکنون پایگاه رژیم سلطنتی و سلطه نروتمندان و صاحبان زر و زور بوده و اکنون نیز تکیه‌گاه ضد انقلاب و مخالفین جمهوری اسلامی ایران و هندستان امریکاست. آیا هدف انقلاب این هست که چنین نظامی از بین برود یا نه؟ آیا نظام بزرگ مالکی همانند یک غده سرطانی باید با تمام ریشه‌ها و تار و پود خود برکنده و بدور انداخته شود یا نه؟ آیا می‌خواهیم انقلاب بیکر سالم و شکوفایی داشته باشد یا نه؟

باز نمودهای اسلام می‌دانند. در باره اینکه این طرح، یعنی ریشه‌کن کردن بزرگ مالکی و دادن حق به‌حق و زمین به دهقانان، اسلامی هست یا نه، البته عقاید فقها متفاوت است. اگر عده‌ای هنوز عقیده دارند که اسلامی نیست، فقهای دیگری که تعدادشان هم بسیار زیاد است، عقیده‌مند هستند که اجرای بند "ج" و بند "د" شرعی است. و با موازین اسلام مابینت ندارد. سه تن از اینان آیت اله منتظری و آیت‌المشکینی و آیت‌الله بهشتی، که بر اثر پیدایش همین اختلاف نظر و عقیده، از جانب امام خمینی ماموریت یافتند که مسئله سیدگی کنند و آنرا از نظر شرعی و فقهی نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهند، به این نتیجه رسیدند که طرح شرعی و قابل اجراست. علاوه بر آن، به هنگام بحث و تصویب این طرح در شورای انقلاب هم عده‌ای از فقها و اسلام شناسان حضور داشتند و آنها نیز رای بر اسلامی بودن داده‌اند. در هر حال این بحثی است که می‌تواند بین آقایان علما مفتوح باشد و نظرات مختلفی در این زمینه ابراز شود، که حل آن بر خود این محافل بصیر و مطلع و ذیصلاحیت است.

## زمین، مسئله سرنوشتی

اما مسئله اجرای قانون و بندهای "ج" و "د" آن دارای ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیز هست، که در باره آن همه آحاد مردم و همه احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی معتقد به انقلاب و متعهد در برابر سرنوشت انقلاب و مداخله قانون اساسی، استقلال، آزادی و منافع مردم زحمتکش، بی-تردید و وظیفه دارند که ابراز نظر کنند و وظیفه دارند که خطری را که از ناحیه آقای بزرگ مالکی متوجه جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ما خواهد شد، خاطر نشان سازند.

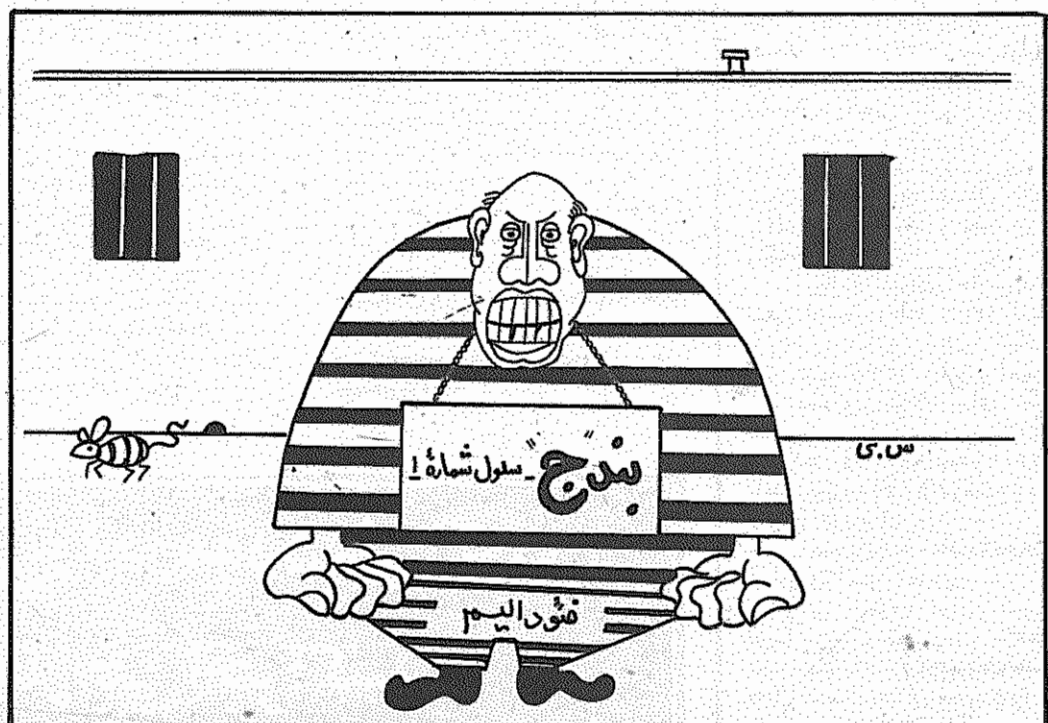
مسئله باقی ماندن یا از بین رفتن نظام غارتگر و پوسیده، فاسد و طاغوتی بزرگ مالکی به استقلال سیاسی و اقتصادی میهن انقلابی ما مربوط می‌شود، به اجرای مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود، به تأمین واقعی آزادی و حقوق مردم

بهارا سال می‌رود که مژده اجرای تمام و کمال قانون اصلاحات ارضی را برای دهقانان زحمتکش سراسر ایران، که بیصبرانه چشم انتظار عمل هیئت‌های هفت نفری هستند، به همراه آورد. علیرغم تعویق بند "ج" و بند "د" قانون، که هم اراضی دایر و هم اراضی بایر بزرگ مالکی را در بر می‌گیرد، اکنون مشهود شده است که توپکه بزرگ مالکان و ایادی روحانی نمای لیبرال - منش آنهارو به شکست می‌رود و احتمال آنکه زنجیر تعویق بزودی از بند "ج" و بند "د" برداشته شود، کم نیست. اما در عین حال، همانطور که بدیهی است، حمله و فشار اعدا از زور تبلیغاتی بزرگ مالکان تشدید یافته، تا شاید بتوانند انقلاب را از پیشرفت بازدارند و آنرا در چارچوب فاسد و پوسیده منافع پلید و اغراض ستمگانه خود محدود کنند.

علیه اصلاحات ارضی و ضرورت انجام آن نه تنها از طرف بزرگ مالکان و عمال آنها توطئه‌ها صورت می‌گیرد، بلکه گاه "استدلالات" و در واقع بهانه - های آنان در اینجا و آنجا بازتاب می‌یابد. از آنجاکه هر یک از آنها می‌تواند مانعی در راه انجام اصلاحات ارضی، یعنی انجام یکی از مهم‌ترین وظائف انقلاب باشد، بیفایده نیست که برخی از این "استدلالات" را بررسی کنیم، به امید آنکه برای باز کردن راه و تابناک نمودن روزنه‌ای که گشوده شده، مفید افتد و بار دیگر به اهمیت حیاتی ریشه‌کن کردن بزرگ مالکی - اهمیت حیاتی برای سرنوشت انقلاب - بی‌بریم و در اجرای هر چه قاطعتر و سریعتر قانون مصوبه مصمم شویم.

برخی‌ها، علیرغم آنکه همه موضع گیری‌های فقهی برجسته، باز هم از تعارض اسلام با اصلاحات ارضی صحبت می‌کنند، برخی دیگر مدعی شده‌اند که واگذاری زمین بزرگ مالکی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تطبیق نمی‌کند. برخی‌ها ظاهراً قه می‌کنند که تولید خوب کار بزرگ مالکان است، و اگر بخواهیم وابسته به خارج نیایم و تولید کافی داشته باشیم، نباید دست به ترتیب بزرگ مالکی بزنیم، برخی دیگر هم می‌گویند: این حرف درستی است که باید همه دهقانان زمیندار شوند، ولی کشور ما زمین بایر و کشت نشده زیاد دارد، آنها را به دهقانان بدهیم و زمین‌های حاصلخیز زیر کشت را از بزرگ مالکان بگیریم.

برخی از این "استدلالات" کهنه است و آخرین فشار را اینجا و آنجا وارد می‌کند. لذا ما هم زیاد در آن زمینه - ها صحبت نمی‌کنیم. اما روی برخی دیگر تکیه بیشتری می‌شود و با تکرار کوشش می‌شود مطالب سستی را پایه‌ای برای نجات نظام روبه زوال بزرگ مالکی، که از انقلاب ما - انقلاب کوشش‌های علیه کاخ نشینان - ضربات جانانهای خورده است، قرار دهند. نظراً و، یعنی تعارض اسلام با اصلاحات ارضی، یک مسئله شرعی را مطرح می‌کنند که بارها در این زمینه صحبت شده و حالا دیگر تقریباً برای همگی روشن گردیده که اسلام راستین و مسلمانان انقلابی و متعهد به انقلاب مستضعفین، هرگز به چنین تعارضی باور ندارند، بلکه برعکس، ادامه بزرگ مالکی را مغایر



# باید هر چه زود تر بند «ج»...

بقیه از صفحه ۵

دارد. باقی ماندن بزرگ مالکی، یعنی باقی ماندن محل بازگشت به نظام آریا-مهری، یعنی جای پای برای ضدانقلاب برای امپریالیسم. زمینداری عمده، سرمایه داری عمده را نیز به همراه خود نگه میدارد و این دو، به نام در هر لباسی، زمینه ساز وابستگی و احیای همان وضع پر ادبار گذشته خواهند بود. بزرگ مالکی، همانطور که تجربه دوسال اخیر نشان داده، پایگاه توطئه های ضدانقلابی و امپریالیستی است و آنقدر نمونه های تشنج آفرینی ها و جنایات و توطئه های مالکان عمده در این مدت زیاد است که در هر استانی به سهولت می توان صدها نمونه آن را ذکر کرد و بی تردید نهادهای انقلابی و مسئولان انتظامی و دولتی و مقامات مذهبی در مناطق مختلف و مسئولان سپاه پاسداران در این زمینه بسیار چیزها می دانند و به کمیته ها و دادگاه های انقلاب پرونده های بسیاری رجوع شده و استاد و مدارک فراوان در این زمینه وجود دارد. به همه این جنایات و توطئه ها تنها از راه ریشه کن کردن بزرگ مالکی می توان پایان داد، کفایت هم در گرو اجرای بندهای "ج" است. "د" است این جنبه مسئله، ابتدا کم اهمیت تر از جنبه اول، یعنی زمین-دار کردن دهقانان نیست.

خلاصه کنیم: سرنوشت انقلاب ما وابسته به آنست که یک رشته مسائل عمده اساسی جامعه ما حل شود و به یک رشته مظاهر گرمی، که در برابر انقلاب و جامعه ما قرار گرفته، پاسخ داده شود. مسئله ارضی یکی از آنهاست، در مرحله کنونی تکامل جامعه ما، این مسئله مترادف با حذف قطعی، کامل و فوری بزرگ مالکی است. این مسئله جز با اجرای حتمی و بلاشروط بندهای "ج" و "د" حل نمی شود. ما تنها از این راه می توانیم حق را به حق دار برسانیم، عدالت را برقرار کنیم، بر سندهای قلابی و تصرف های عدوانی نظامات گذشته مخط بطلان بکشیم، شالوده اقتصاد شوفا و مستقل کشاورزی و شالوده زندگی بهتر و انسانی را برای دهقانان بریزیم و جمهوری اسلامی ایران را به سرزمینی که در آن انقلاب تحکیم شده و حقوق انسانی و حقه مردم زحمتکش حفظ می شود، بدل کنیم.

## مسئله زمین و وابستگی

نکته بسیار مهمی که بحق در مورد ضرورت اصلاحات ارضی به آن اشاره می شود، مسئله عدم وابستگی است. تجربه چه نشان می دهد؟ این که بزرگ مالکان دشمن استقلال ایران و ریشه کن کردن نفوذ امپریالیست ها هستند، این که آنها عملاً بارشده اقتصاد کشور مخالفند و عملاً همه دیده ام که آنها حتی از آتش زدن خرمن ها و کشت نکردن زمین ها و خرابکاری در تولید کمترین ابائی ندارند، برای آنها ملاک برتر، سود است. آنها کمترین ارزشی برای سلامت و توسعه اقتصادی مستقل ما و سرنوشت انقلاب قائل نیستند. در مقابل، بازم تجربه نشان می دهد که دهقانان زحمتکش شالوده و سنگ پایه تولید متنوع و کافی هستند. آنها اگر زمین داشته باشند و اگر وسائل کار نیز، در همان حدی که فعلاً امکان هست و در آینده مرتباً بیشتر به آنها برسد، بر میزان تولید بارها خواهند افزود و یاکارو

کوشش خود، همانطور که در عمل دو ساله خویش نشان داده اند، خواهند توانست ما را از واردات گندم و سایر محصولات اساسی تا حد مقدور بی نیاز کنند. اگر می خواهیم مجبور نباشیم که میلیاردها تومان هر ساله، جهت خرید محصولات زراعی بدهیم، راه واقعی عبارتست از حمایت از دهقانان زحمتکش، که تولید کننده واقعی و مستقیم است، نه مماشات بازمیندار بزرگی که جز غارت و بهره کشی هدف و منظوری ندارد. بزرگ مالک اگر سودش اقتضا کند، تولید داخلی را خواهد خواباند و در وابستگی به انحصارات امپریالیستی، به واردات خواهد پرداخت. اگر می خواهیم واقعا وابستگی رهائی پیدا کنیم، باید تولید داخلی را، با تکیه به اقتصاد سالم و مستقل بالا ببریم. تا خود کسانی که مستقیماً روی زمین کباب می کنند و زرع نتیجه سعی و زحمت آنهاست، مالک زمین نباشند، این سلامت و استقلال بدست نخواهد آمد. مدوما به استغنا نخواهیم رسید. تجربه تلخ نشان می دهد که اگر مالکیت زمینداران عمده بر جا باشد، ایران وابسته خواهد بود و منافع بزرگ مالکان و تجار واردکننده و سرمایه داران بزرگ جزد بر مرزنا بودی کامل کشاورزی ما و ورشکست دهقانان مامتوقف نمی شود. پس اگر ما می خواهیم از وابستگی رهائی یابیم، باید محل های آنرا در داخل بوجود آوریم. راه آن عبارتست از: تکیه بر دهقانان تولیدکننده، که بطور شخصی و خانوادگی کشت می کنند، تکیه بر تعاونی های دهقانی، که با کمک ماشین آلات و شیوه های جدید تولید می توانند محصول بیشتر بدست آورند و تکیه بر واحدهای وسیع دولتی - در آنجا که شرایط اقتضا کند، نظیر دشت مغان و اراضی زیرسرد دزو و کشت و صنعت های مدرن ملی شده.

مسئله رهائی از وابستگی بحق مسئله بسیار حیاتی است و محور اصلی اندیشه و عمل در سیاست کشاورزی نیز باید قرار گیرد. ولی راه نیل به آن، بدون کمترین تردید، از منزلگاههای بزرگ مالکی می گذرد. پس از نظر ملاک عمده و اساسی عدم وابستگی نیز باید قانون اجرا و بندهای "ج" و "د" هر چه زودتر و قاطع تر عملی شود.

## مسئله زمین و قانون اساسی

آیا اجرای بند "ج" و "د" مخالف با قانون اساسی است؟ همه مردم انقلابی ایران باید حافظ قانون اساسی و مدافع این ثمره بزرگ حقوقی انقلاب ما باشند و لذا در پاسخ به این سؤال عمیقاً دبیلاقتانند. قانون اساسی زائیده انقلاب مردمی ماست که، به ارزیابی امام خمینی انقلاب مستضعفین و محرومان است و باید به محرومیت و استضعاف آنان نقطه پایانی گذارد. آیا اجرای بند "ج" و "د" و زمیندار کردن دهقانان از راه الفای بزرگ مالکی، با این انقلاب و مولود آن - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مغایر است؟ قانون اساسی را بخوانیم: در اصل دوم، بندج، می گوید: "نقی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری". چگونه می خواهیم این اصل را در مورد حجه میلیون ایرانی اجرا کنیم، اگر نخواهیم به ترکیب بزرگ مالکی دست بزنیم؟ بزرگ مالکی خود مترادف است با ستم و سلطه، و مغایر است با "قسط و عدل"، که در همین اصل دوم، بندج،

بلافاصله پس از عبارت، بالا ذکر می شود. در بندهای مختلف در اصل سوم "جلوگیری از نفوذ جانب"، "مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی"، "رفع تبعیضات ناروا" و غیره مطرح می شود. آیا می توان این بخش از اصول کلی قانون اساسی را رعایت کرد در عین حال بزرگ مالکی را حفظ کرد و بند "ج" و "د" را اجرا نکرد؟ در همین اصل سوم از پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت ها سخن می رود. این اصل کجا و عدم اجرای بند "ج" و "د" کجا؟

چگونه می توان بندهای مختلف اصل ۴۳ را نادیده نگاشت که از قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر بکارند، ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی... صحبت می کند و می خواهد جلوی "تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص" را بگیرد. مگر در همین اصل عبارت "منع اضرار به غیر" ذکر نشده و مگر بزرگ مالکی خشن ترین اضرار بر غیر نیست؟ مگر نه آنست که هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. (اصل ۴۶) و مگر بزرگ مالک چنین نمی کند؟

اصل ۴۹ قانون اساسی درباره "منشاء ثروت های حاصله"، اگر دقیقاً اجرا شود، از تمام بنای منحوس بزرگ مالکی سنگ روی سنگ باقی نخواهد گذاشت. کافایت همین یک اصل را که با گفته مشهور و عمیق امام خمینی، در باره اسناد جعلی مالکین بزرگ و سند سازی ها و تصرف عدوانی نیز تطبیق می کند. معیار قضاوت و عمل قرار دهیم، تا بعد شوم بزرگ مالکی پایان داده شود.

بی شک اعضای شورای نگهبان، اعم از فقها یا حقوقدانان، این مواد قانون اساسی و روح آنرا، که متجلی از انقلاب ما و اهداف آن است، در نظر خواهند داشت و بر تطبیق قانون و اگذاری زمین و بند "ج" و "د" با قانون اساسی، همچنان که دیدیم، صحنه خواهند گذاشت.

در پایان باید یکبار دیگر اضافه کرد که بند "ج" و "د" چند خط از یک قانون معمولی و یک بند از یک آئین نامه عادی نیست، بلکه گره اصلی قانون و اگذاری زمین مصوب فروردین ماه ۵۹ است. این قانون که هنوز مطلق است و در اساس خود عملی نشده، ولی روزنامه میدی برای انجام سرنوشت سازش کوشده شده، یکی از صدها قانون و مقررات گذرا و فرعی نیست که می تواند هر روز تصویب شود یا شود و اجرا یا عدم اجراش به گاو و گوسفند کسی صدمه ای نزند. این قانون با یکی از شریان های حیاتی جامعه انقلابی ما ارتباط دارد و عدم اجرای آن، قطع شریان است و می تواند خطر شکست انقلاب و بازگشت به نظام طاغوت زده و نوعی بساط آریامهری را به همراه داشته باشد. بی تردید و قاطع باید طلب کرد که کلیه زمین های آریایی - تا همان سه برابر عرف محل، که قانون تعیین کرده - گرفته شود و اعم از سایر و دایره دهقانان تهیدست و به تعاونی هائی، که بدست و با شرکت و نظارت خود دهقانان زحمتکش تشکیل می شود، واگذار گردد، تا بساط منحوس و ضد انقلابی و استثمارگری - انسانی بزرگ مالکی برای همیشه از میهن انقلابی ما برچیده شود.

حزب توده ایران انجام اصلاحات ارضی را یک گام اساسی در زمینه دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور بسود محرومان می داند و خواستار تحقق بی خدشان است. "برنامه حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی)

## هندوراس پایگاه...

بقیه از صفحه ۳

مرداد ۱۳۵۹ (۲۵ ژوئیه ۱۹۸۰) ژنرال پاس گارسیا را بعنوان رئیس جمهور موقت برگزید. قرار است اسامال انتخابات جدید، برای گزینش رئیس جمهوری غیر نظامی، برگزار شود.

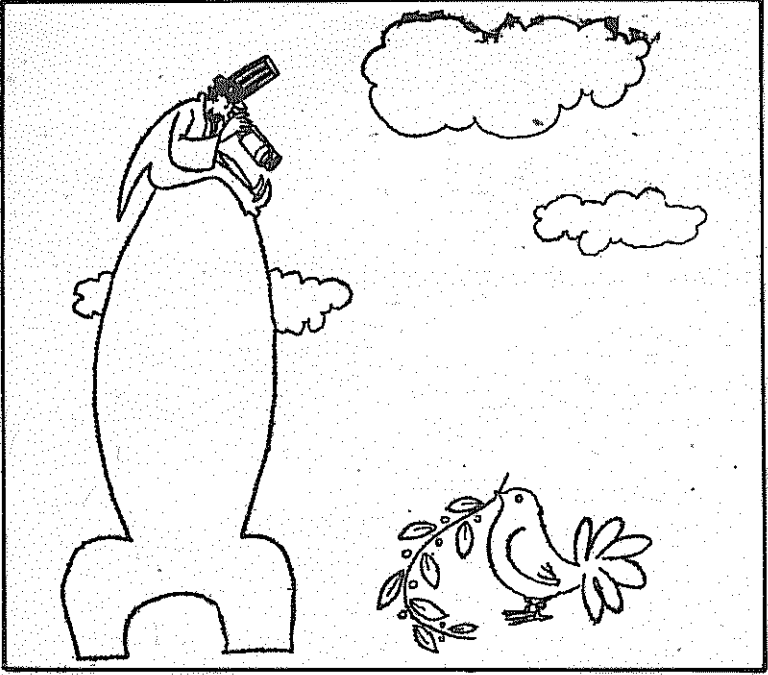
ترکیب مجلس موسسان چنین است: "حزب لیبرال" (پارتیدو - لیبرال) - نماینده محافل بورژوازی (۳۵ کرسی)، "حزب ملی" (پارتیدو - ناسیونال) - نماینده بزرگ زمینداران و انحصارات ایالات متحده آمریکا (۳۳ کرسی) و "حزب نوسازی و وحدت" (پارتیدو - اینوواسیون ای - اوینداد) (۳ کرسی، یادآور می شویم که احزاب دیگر اجازه شرکت در انتخابات را نیافتند. "حزب کمونیست هندوراس" (پارتیدو کمونیست د هندوراس) که در شرایط نیمه علنی فعالیت می کند، "حزب دمکرات مسیحی"، "حزب سوسیالیست"، "جبهه آزادی بخش مورازانیت" و گروه سیاسی، سندیکایی، دانشجویی و مذهبی دیگر در "جبهه میهن دوستان هندوراس" (فرنته - پاتریوتیکو د هندوراس) متحد شده اند.

هندوراس، از نظر اداری، به ۱۸ ایالت تقسیم می گردد، که فرمانداران آنها را رئیس جمهور تعیین می کند. این کشور از ۳۱ استان، از جمله استان مرکزی پایتخت، تشکیل می شود. اقتصاد: هندوراس کشور کشاورزی عقب افتاده ایست، که تولید صنعتی آن ناچیز است.

از سوی دیگر، در دهه گذشته، فرآورده های ناپویژه اجتماعی هندوراس در پرتو نفوذ سرمایه انحصاری خارجی در مقایسه با کشورهای همسایه، رشد بیشتری داشته است. در سال ۱۳۵۷، کشاورزی ۳۱/۷ درصد، صنعت ۱۷/۱ درصد، بازرگانی و هتل داری ۱۲/۶ درصد، ترابری و ارتباطات ۷/۲ درصد، معادن ۱/۹ درصد و دیگر رشته های اقتصاد ملی ۲۴/۱ درصد تولید فر آورده ناپویژه اجتماعی را تامین می - ساخت. در همین سال تنها نزدیک به ۲۹ درصد مردم کاری کردند. از این شماره ۵۷ درصد در کشاورزی، جنگل - داری و ماهیگیری اشتغال داشتند، ۱۲ درصد در صنعت و بقیه در دیگر رشته ها.

موازنه بازرگانی خارجی هندوراس منفی است. در سال ۱۳۵۸، این کشور ۱۶۶۳/۹ میلیون لمپیرا کالا وارد، ولی تنها ۱۴۶۵ میلیون لمپیرا صادر کرد. مهم ترین کالاهای صادراتی هندوراس عبارتند از: موز (۲۷/۳ درصد صادرات ۱۳۵۸)، قهوه (۲۶/۹ درصد) ماهی یخ زده (۸/۳ درصد)، چوب (۵/۷ درصد).

مهم ترین شاخه اقتصادی هندوراس کشاورزی است. فزون بر کالاهای صادراتی نامبرده، در این کشور ذرت، لوبیا، برنج و سبزی نیز کشت می - شود. تنها یک دهم زمین های هندوراس قابل کشت است. در حدود ۱/۵ میلیون نفر روستائین از هرگونه مینی بی - بهره اند. از سوی دیگر، ۷۰۰ زمیندار



بزرگ ۳۰ درصد ارضی حاصلخیز را در اختیار دارند. شرکت های آمریکایی "یونایتد براندز کمپانی" و "استیم شیب کامپانی" تقریباً همه موززارهای خود را به لاتیفوندیست های بومی واگذار کرده اند و خود به تولید دیگر محصولات کشاورزی، دامپوری و تجارت موز پرداخته اند.

دولت هندوراس بارها اعلام داشته است که خواهان پیشبرد اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین است، ولی عملاً هیچگونه گامی در این راه برنداشته است. در صنایع هندوراس تنها ۱۳۰ هزار نفر اشتغال دارند. این صنایع بیشتر در منطقه اطراف سان پدروسولا متمرکز است. کارخانه های کوچک و متوسط بطور عمده برای تامین نیازمندی های داخلی تولید می کنند (مانند نوشابه، سیگار، کبریت و غیره). علاوه بر این، مقدار کمی صابون و منسوجات به کشورهای همسایه صادر می شود.

اهمیت صنایع استخراجی هندوراس رو به کاهش است. یکی از کسرن های آمریکایی استخراج طلا و نقره را در کستاریکا بعهده دارد. فزون بر این، سرب و روی نیز در این کشور استخراج می - شود. در هندوراس بررسی های مقدماتی برای یافتن اوران نیز آغاز گردیده است. در هندوراس، علیرغم آثار تاریخی فرهنگ "مایا"، توریزم چندان گسترش نیافته است. در سال ۱۹۷۸، تنها ۸۶۸۱۲ نفر توریست خارجی از این کشور دیدن کردند.

دولت هندوراس قصد دارد به سرمایه گذاری های هنگفت در نیروگاه های آبی، جاد سازی و توسعه بنادر بپردازد. در سال ۱۹۷۸، در هندوراس ۶۲۰۷۱ ماشین، ۱۴۸۰ کیلومتر جاده آسفالتی، ۹۷۷ کیلومتر راه آهن و ۱۹۷۱۳ دستگاه تلفن وجود داشت.

اوضاع کنونی: هر چند الیکارشی هندوراس در اعمال سیادت خود به ددمنشی آشکاری چون در السالوادور و گواتمالا دست نمی یازد و در بعضی موارد به اصلاحات بسیار محدود و نا - چیزی نیز پرداخته است، با اینهمه رژیم هندوراس یکی از بزرگترین دژ های امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی به شمار می آید. در حدود ۵ هزار مزدور "گارد ملی" سابق سوموزا، که در هندوراس پناهنده گی یافته اند، زیر چتر حمایت رژیم این کشور، بارها به تحریکات مرزی گسترده علیه نیکاراگوئه مبادرت ورزیده و مناسبات میان این دو کشور را سخت متشنج ساخته اند. از سوی دیگر، رژیم هندوراس، در عملیات مشترک نظامی با "خونتا"ی السالوادور در سرکوب مبارزان السالوادور شرکت می جوید. واقعت نامبرده، بویژه پس از قرارداد صلح ۱۳۵۹ (۳۰ اکتبر ۱۹۸۰) میان هندوراس و السالوادور نمایان شد. بالین قرارداد، "جنگ فوتبال" دو کشور که بیش از یازده سال ادامه داشت، پایان یافت و، بدینسان، به خواست آمریکا، گامی دیگر در راه احیاء "شورای دفاعی آمریکا مرکزی" ("کوندکا")، بعنوان خربه ای برای مقابله با جنبش های انقلابی منطقه، برداشته شد. "واشینگتن" این خوش خدمتی رژیم نخوسپاهال را با واگذاری جنگ افزارهای بیشتری به هندوراس "پاداش" داد. بمقیده کار - شناسان، اکنون "توان رزمی هندوراس در تاریخ این کشور بی سابقه است.

نظری به حوادث بین المللی در هفته‌های گذشته

استراتژی ضد انقلابی امپریالیسم در منطقه

پیروزیهای چشمگیری که جنبش انقلابی جهانی در هر سه جزء آن طی سالهای هفتاد بدست آورد...

سیاستمداران دنیای امپریالیسم پنهان نتیجه رسیدند که امام این روند به سبب سرمایه‌داری ضریب مرگبار وارد خواهد آورد...

با روی کار آمدن حکومت ریگان در آمریکا، نقش اسرائیل در اجرای این استراتژی در منطقه بسیار افزایش یافته است...

تجاوز اسرائیل و واکنشهای آن

فتنه‌انگیزیهای اسرائیل در لبنان و تهدید سوریه به جنگ، که گامی در جهت اعمال فشار بر سوریه و جنبش آزادیبخش فلسطین بود...

کنفرانس تونس و اثرات آن

وزرای خارجه کشورهای عربی برای بررسی اوضاع لبنان و تهدیدات اسرائیل، در هفته‌ای که گذشت...

برهم میزند، «خطر» شوروی است نه اسرائیل، حتی اردن و کویت، پشتیبانی خود را از تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی باشرکت اتحاد شوروی...

دلیل آنهم اینست که حتی مرجع‌ترین سران کشورهای عربی نمیتوانند «خطر» شوروی را برای خلقهای خود توضیح دهند...

توسعه تجاوزات اسرائیل در لبنان تنها در میان خلقهای عرب، بلکه همچنین در سایر کشورهای از جمله ایران، افغانستان، اتحاد شوروی و برخی از کشورهای دیگر با واکنش شدیدی روبرو شد...

دولت ایران آقای محمد هاشمی، معاون سیاسی نخست‌وزیر، را در راس هیئتی به دمشق فرستاد. آقای محمد هاشمی بنام خلق انقلابی ایران به برادران سوریه ما اطمینان داد که...

اتحاد شوروی نیز از زبان رهبر خود لئونید برژنف، موضع این کشور بزرگ سوسیالیستی در قبال سیاست امپریالیسم در منطقه را شرح داد.

نطق لئونید برژنف در باره سیاست امپریالیسم در خاورمیانه و نزدیک

لئونید برژنف رهبر شوروی، در نطق خود بمناسبت شصتین سالروز جمهوری سوسیالیستی گرجستان، ضمن بحث درباره مسائل بین‌المللی، به سیاست امپریالیسم در این منطقه، که موجب مصائب و بدبختی‌های بی‌شمار برای خلقها شده است...

و نسبت به سرنوشته لیبانی که قداره‌بندان اسرائیلی بجانش افتاده‌اند و به معنای واقعی کلمه از سرپایش خون جازی است برآفتاب بود...

«یک سال نادرست میتواند موجب آن شود: که شعله‌های جنگ سراسر خاورمیانه را در کام خود فروبرد و معلوم نیست که لیبی این آتش تا کجا را خواهد سوزانده»

لئونید برژنف مداخله امپریالیستی در حوزه خلیج فارس و بر ضد افغانستان را محکوم کرد و گفت:

«وضع این منطقه بر اثر فشار ناچهار امپریالیسم بر ایران و مداخله مسلحانه آن در افغانستان وخیم شده است. تمرکز سیاست‌های نیروهای مسلح آمریکا در سراسر این منطقه بروحامت اوضاع افزوده است»

لئونید برژنف اظهار داشت: «باید بحق حاکمیت کشورهای منطقه احترام گذاشته شود و کسی نباید در فکر مداخله در امور داخلی آنها باشد»

لئونید برژنف همچنین پیشنهاد مشخصی برای رفع تنش و جلوگیری از بروز حوادث ناگوار در منطقه خاور نزدیک و میانه از طریق مذاکرات صلح‌آمیز مطرح ساخت.

بسیاری از کشورهای منطقه، حتی آنان که مانند کویت و اردن نسبت به اتحاد شوروی حسن نظری ندارند، از این پیشنهادها پشتیبانی کردند.

ایستادگی کشورهای منطقه در برابر سیاست‌زورگویی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و پشتیبانی اتحاد شوروی از خلقهای مبارز آزاد از استقلال و آزادی خود را دارند، کار استراتژیهای امپریالیست را در صدد زدن انقلاب روز بروز دشوارتر میکند.

مراجعه‌یافته‌ها و ریکانها و تاجرها در فضای کنونی بین‌المللی بیشتر به نفع‌های چون آمیز گمشدگان صحرا شایع دارد. ما در این فضا هر روز با یک بیروزی خلقها بر سیستم غارت بین‌المللی روبرو هستیم.

کنفرانس اوپک در این هفته را نیز می‌توان یکی از این بیروزیها دانست (در این باره به مقاله دیگری که در همین شماره آورده‌ایم، مراجعه کنید).

امپریالیستها در برابر هر یک از این بیروزیها دندان نشان میدهند، اما برآستی که در شرایط کنونی جهان «هیچ غلطی نمیتوانند بکنند»

به‌بینیم امپریالیسم چگونه می‌خواهد این استراتژی را در منطقه ما پیاده کند. سیاست ایالات متحده در منطقه ما، که در مطبوعات آمریکا گاهی بنام «دکترین ریک» از آن نام می‌برند، این چهار اصل زیرین متکی است:

۱- خاور نزدیک و خلیج فارس منطقه استراتژیک واحدی هستند و در مورد آنها باید سیاست واحدی داشت.

۲- باید به کشورهای این منطقه پاوراند که «خطر» اصلی، که صلح و ثبات را برهم می‌زند، «خطر» شوروی است، (انفجارهای انقلابی نیز جز با «تحریک» اتحاد شوروی انجام نمی‌گیرد)

۳- بین اسرائیل و اعراب یک هدف عمده استراتژیک وجود دارد و آن جلوگیری از تسلط اتحاد شوروی است (یعنی اعراب باید بخاطر جلوگیری از این «خطر» به آشتی با اسرائیل تن در دهند و پقرارداد کمب‌دیوید، ملحق شوند)

۴- ایالات متحده آمریکا آماده است که دفاع از منطقه را در برابر «خطر» شوروی تضمین کند، اما آمریکا برای انجام اینکار به پایگاههای نظامی و حضور نظامی در منطقه نیازمند است.

مردم در انتظار حل مسائل...

بقیه از صفحه ۱ این مطالب باید در سمت اصلی انقلاب ایران، یعنی مبارزه با امپریالیسم، برای تحکیم استقلال مبین و رهائی کامل از سلطه امپریالیسم انجام می‌گرفت.

«باید شعار مرگ بر آمریکا، اسرائیل و سادات را با خون و گوشت مردم عظیم کنیم...» (۶ مرداد ۵۹ - نامه مردم - از سخنان تبریزی نماینده بجنورد در جلسه علنی مجلس)

و همواره با این هشاری که: «... آمریکا، امپریالیسم، اگر تجاوز را از او بگیرد، دیگر امپریالیسم نیست... حالا او (آمریکا) می‌آید مغزهای علیر را در کشورها شناسایی می‌کند، حتی این مغزهای علیر، بدون اینکه خودشان بدانند، توکر آمریکا می‌شوند... آنها را که فکر می‌کردند اروپا باید جانشین آمریکا شود، فهمیدند که اروپا و آمریکا یک نقش دارند بازی می‌کنند تجاوزگر، تجاوزگراست...» (۳۱ شهریور ۵۹ - نامه مردم - از سخنان آقا محمدی در جلسه علنی مجلس)

بر پایه این سخنان و تمهید به آن در یک سال گذشته است که اکنون می‌توان فعالیت یکساله مجلس را در سمت اصلی انقلاب چنین ارزیابی کرد: «... خطمشی ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی مجلس محرز است...» (۲۶ شهریور ۵۹ - نامه مردم - از سخنان فخرالدین رحیمی در جلسه علنی مجلس)

و تنها با اتخاذ چنین ستمی است که آنها که خود را «... با آمریکا در جنگ...» (۱۰ مهر ۵۹ - نامه مردم - از سخنان دکتر یدالله سعیدی در جلسه علنی مجلس) نمی‌بینند، و اقلیت کوچکی را در مجلس تشکیل می‌دهند، توانستند تاکنون خط خود را، موضع گیری خود را که «... موضعی که بی‌بازار سازشکارانه غلطی بود...» (۲۹ شهریور ۵۹ - نامه مردم - از سخنان حجت‌الاسلام کروی در جلسه علنی مجلس) پیش ببرند، و چنین باد!

تنها در بناه چنین موضعی انقلابی است که مجلس شورای اسلامی ایران توانسته است، با همه کارشکنی‌ها، گام‌های مثبتی در جهت اتخاذ یک سیاست خارجی انقلابی و مثبت بردارد و با شناخت نسبی دوستان و دشمنان انقلاب ایران، از سوئی بداند که: «... توطئه آمریکا یک اصل ثابت و مسلم برای همه ما است، به عبارت دیگر استمرار توطئه یک اصل مسلمی است، آنچه تغییر می‌کند روشهای آمریکاست...» (۱۲ آذر ۵۹ - نامه مردم - از سخنان حاج زنگنه در جلسه علنی مجلس) و از سوی دیگر «در جلسه علنی مجلس

نامه مردم) و این شناخت بهتر و بیشتر را، بویژه در ماههای اخیر، به‌اشکال مختلف، در برخورد های گوناگون، اعلامیه‌های کمیسیون روابط خارجی مجلس، سفرهای نمایندگان مجلس به کشورهای دوست انقلاب ایران، پرهیز از شرکت در کنفرانس‌های پامسلاط اسلامی که: «... آمریکا گرداننده اصلی آنهاست (۱۴ مهر ۵۹ - نامه مردم - از سخنان سیدین در جلسه علنی مجلس) و... می‌توان مشاهده کرد.

تعمیق انقلاب

وظیفه عمده دیگر مجلس، که در ارتباط تکلیف با وظیفه اصلی آن قرار دارد، تلاش برای پاسخگویی به وجه مردمی انقلاب است. در یک سال گذشته نمایندگان مجلس به کرات تأکید کرده‌اند که: «... باید رسیدگی به وضع مستضعفین در درجه اول اهمیت قرار گیرد...» (۲۶ شهریور ۵۹ - نامه مردم - از سخنان محمدعلی حیدری نماینده نهاوند در جلسه علنی مجلس)

و بر این واقعیت، که سرنوشته نهائی انقلاب در گرو آن است، اسرار و رزیده‌اند که: «... باید هر چه زودتر وسائل تولید به صاحبان اصلی آن، که سالیان سال از داشتن آنها محروم بودند، سپرده شود و دولت باید تمام امکانات مالی لازم را در اختیار آنان قرار دهد...» (۱۵ شهریور ۵۹ - نامه مردم - سخنان عطاه‌الله مهاجرانی نماینده شیراز در جلسه علنی مجلس)

در یک سال گذشته خوشبختانه مردم بارها از تریبون مجلس شنیده‌اند که: «... دولت باید با ویژگی‌های انقلاب یعنی مردمی بودن آن مطابقت کند...» (۲۲ مرداد ۵۹ - نامه مردم - از سخنان نماینده شیراز در جلسه علنی مجلس)

و یا «... این مجلس نمی‌تواند جای سرمایه‌داران و فئودالها باشد، نمی‌تواند جای معتقدین به سیاست گام به گام و پیش سوی سازش با آمریکا باشد...» (۳ شهریور ۵۹ - نامه مردم - از سخنان نصراللهی نماینده آبادان در جلسه علنی مجلس)

در سالی که از فعالیت مجلس گذشت، این ارزیابی انقلابی بارها و بارها مطرح شد که: «... انقلاب اسلامی نمی‌تواند فئودالیسم را تحمل کند. فئودالیسم یک نظام سلطه‌گر است. لذا ما دقیقاً خواستار اجرای اصلاحات ارضی هستیم. خط امام خط مبارزه با سرمایه‌داری استثمارگر است، خط امام خط مبارزه با استبداد در تمام اشکال آن است...» (۱۳ آذر ۵۹ - نامه مردم - از سخنان یوسفی در جلسه علنی مجلس)

و در مجلس بدرستی اعلام شد: «... قاسطین انقلاب ما سرمایه‌داران زالوصفت و مفت‌خواران هستند که... به شکل ستون پنجم داخلی با احتکار چه لطمانی را می‌خواستند به این کشور وارد کنند و ملتی که خون‌مندان آنها خون می‌مکند...» (۲۶ آذر ۵۹ - نامه مردم - از سخنان هراتی در جلسه علنی مجلس)

هواداران حزب توده ایران در سوئد اقدامات ضد انقلاب را محکوم می‌کنند

در پی تشدید فعالیت گروههای ضد انقلابی در خارج از کشور گروهک مائوئیستی - آمریکائی «سیس» در سوئد، در روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۶۰، سفارت جمهوری اسلامی ایران را به اشغال خود درآورد.

هواداران حزب توده ایران در سوئد، در اعلامیه‌ای که در اینبار در روز ۲۶ اردیبهشت ۶۰ انتشار دادند، این باصطلاح «فرضن انقلابی» را محکوم کردند. در این اعلامیه گفته می‌شود که «سیس» «با اینکار چهره گریه آمریکائی خود را عریتر از پیش به معرض نمایش گذاشته است».

هواداران حزب توده ایران خاطرنشان ساخته‌اند: «این گروهک در انجام ماموریت اربابان خود روز و شب می‌شناسد و با پشتیبانی از ضدانقلابیون فراری، ساواک‌ها، عوامل «سیا»، به‌انتشار و پخش از اچیف علیه جمهوری اسلامی ایران و نیروهای صادق انقلابی مبارز می‌وزد...»

هواداران حزب توده ایران در سوئد این عمل ضد انقلابی را محکوم می‌کنند و آنرا در ارتباط با توطئه هفتم آمریکا می‌دانند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در متحدی خلاق!

مردم بدنبال سخنان درست، در انتظار تحقق این سخنان درست هستند. مردم در انتظار آنند که خواستهای اساسی آنان در زمینه‌های حقوق و آزادیهای دمکراتیک و بهبود زندگی مادی و معنوی زحمتکشان با تصویب فوری و قاطع قوانین لازم برآورده شود. چنین است که آنها از جمله در انتظار اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی‌گردن‌بازگانی خارجی، اصلاحات ارضی، تعیین حدود مالکیت، تأمین آزادی فعالیت احزاب و مطبوعات و سایر قوانین بنیادی هستند که اهداف فوری امپریالیستی انقلاب را تحقق بخشد و اصول قانون اساسی را در زمینه تحکیم استقلال و آزادی و تأمین حقوق و منافع زحمتکشان و نوسازی جامعه در جهت ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد بمرحله اجرا درآورد. متأسفانه باید گفت که در این زمینه‌ها کندی‌های جدی مشاهده میشود که باید هر چه زودتر بر آن غلبه کرد و تمام موانع را از میان برداشت، زیرا در اینجا سرنوشته انقلاب مطرح است.

باید گفت که خوشبختانه اکثریت نمایندگان مجلس و از جمله رئیس مجلس شورای اسلامی بر این امر واقف هستند و به دلیل همین وقوف است که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه‌ای بدرستی تأکید کرده است: «... ما برنامه‌های فوری‌تری داریم که غیر از برنامه‌های روزمره، کارهای بنیادی مثل قانون احزاب، مالکیت زمین و از این قبیل چیزها باید جلو بیاوریم... لایحه مطبوعات و لایحه احزاب و بده لایحه شوراها می‌آید... لایحه کساحی را داریم... همچنین لایحه ملی‌گردن تجارت خارجی است که در دستور کار کمیسیون آمده... هفته‌های آینده ما خرده‌کاری در مجلس کم داریم و خرده‌کاریها را باید ارجاع بدهیم به کمیسیونها که آنها تصویب کنند...» (۴ خرداد ۶۰ - جمهوری اسلامی)

این سخنان به‌همه مدافعان راستین انقلاب نوید می‌دهد که بزودی لوائح اساسی، که حل مسائل گریه کشور - در مرحله قانونگذاری - در گرو تصویب آنهاست، در مجلس مطرح و تصویب گردد. همه مردم ایران امیدوارند که بر بنیاد رهنمودهای امام خمینی به مجلس و بر پایه قانون اساسی ایران، این قوانین بسود زحمتکشان تصویب شود و دست کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان را از غارت ثروت ملی و دسترنج مردم کوتاه کند. همه مردم امیدوارند که حقوق و آزادیهای مندرج در قانون اساسی، با تصویب قوانین مشخص، تأمین و تضمین گردد.

بعلاوه مجلس، باید برای تعمیق انقلاب و زدن سربله نهائی بر ضد انقلاب، بر پایه پیشنهادی تریزری نماینده بجنورد، به اقداماتی نظیر: «... تدارک بیسج سیاسی - ایدئولوژیک بر ضد شیطان بزرگ آمریکا، محاکمه و تصفیه ضدانقلاب از تمام ارگانها، برنامه‌ریزی برای جذب تمام نیروهای انقلابی و اسلامی، ائتلاف لیست کامیابوری اسامی ساواک، متزوی کردن سازشکاران و غربزده‌ها و چه‌نمایان امریکائی و...» (۶ مرداد ۵۹ - جلسه علنی دست زدن حزب توده ایران که، به نوبه خود، هم در انتخابات مجلس شرکت فعال داشته، و هم با تمام تریز از اقدامات مثبت آن دفاع کرده است، خواهد کوشید که با طرح پیشنهادی‌های سازنده و انتقادات اصولی، که حاصل تجربه ۴۰ سال مبارزه سیاسی است، به حل بنیادی مسائل



لئونید برژنف:

### اتحاد شوروی در پی منابع طبیعی دیگران نیست

روز سه‌شنبه ۵ خرداد ۶۰، ملک حسین دیدار رسمی خود را از اتحاد شوروی آغاز کرد.

در جریان گفتگوهای که میان لئونید برژنف و ملک حسین صورت گرفت، دو طرف تکرانی خود را از افزایش تنش‌جات در خاورمیانه ابراز داشتند، که بر اثر تجاوز کاری اسرائیل پدید آمده است.

لئونید برژنف بر «ضرورت پیدا کردن راه‌حلی عادلانه برای مسائل منطقه» تأکید کرد که، بگفته وی، «تنها در چارچوب کنفرانسی بین‌المللی درباره خاورمیانه و با شرکت همه اطراف ذینفع، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین»، ممکن است.

ملک حسین پشتیبانی خود را از ابتکار اتحاد شوروی اعلام داشت. لئونید برژنف، در ناهاری به افتخار میهمان اردنی، تجاوزات اسرائیل را در لبنان محکوم ساخت. او همچنین موضعگیری ایالات متحده آمریکا را تقبیح کرد و گفت که این کشور می‌خواهد بر «خاورمیانه نفت‌خیز دست یابد و سیادت خود را در آنجا برقرار کند. برعکس، اتحاد شوروی در پی منابع طبیعی دیگران نیست.»

در این مراسم، ملک حسین برای کمک اتحاد شوروی به اعراب ارزش فراوان قائل شد.

### والدهایم از روش کشورهای غربی در پناه نامی بیا انتقاد کرد

کورت والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، از باصطلاح «برخورد جدید» کشورهای غربی درباره مسئله نامی بیا انتقاد کرد. وی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در پاریس، در روز ۴ خرداد ۶۰ گفت که «نقشه سازمان ملل پایه عادلانه‌ای را برای حل این مسئله تشکیل می‌دهد.»

این نقشه، که در قطعنامه شورای امنیت در سه سال پیش تدوین یافته است، خواستار خروج نیروهای آفریقای جنوبی از نامیبیا، آتش‌بس و برگزاری انتخابات آزاد، زیر نظارت بین‌المللی، می‌شود.

### کنگره کمونیست‌های کامپوچیا به کار خود ادامه می‌دهد

تن ساون، دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق کامپوچیا، در کنگره چهارم این حزب، که اکنون در پنجمین برگزار می‌شود، گفت:

«حزب مردم کامپوچیا را به سوی کشوری صلح‌جو، غیرمتعهد و سوسیالیسم راهبر خواهد بود.»

تن ساوان افزود:

«کامپوچیا کامکان به مناسبات دوستی و همبستگی خود با اتحاد شوروی، ویتنام، لائوس و دیگر کشورهای سوسیالیستی ادامه خواهد داد.»

### جسد دو سیاهپوست دیگر در آتلانتا پیدا شد

پلیس آتلانتا سیاهپوستی را، که جسدش در رودخانه‌ای در نزدیکی این شهر پیدا شده بود، بعنوان تا آیل کیتز معرفی کرد. از سوی دیگر، جسد کودک سیاهپوست دهساله‌ای، به نام داران گراس، که بیش از ۸ ماه پیش ناپدید گردیده بود، پیدا شد.

چنین می‌نماید که هر دو آنها قربانی ترور نژادپرستان شده باشند.

در دو سال اخیر، ۲۸ کودک و نوجوان سیاهپوست بدست تراد پرستان این شهر بهلاکت رسیده‌اند و مقامات از هرگونه اقدامی علیه نژادپرستان خودداری ورزیده‌اند.

## درباره یک مقاله زهر آگین

است، یا حزبی است انقلابی و اصولی، که بمدت ۴۰ سال ایثارگرانه برای رهایی ایران از چنگ امپریالیسم و برای کسب استقلال و آزادی، برای رهایی خلق زحمتکش ایران از استثمار و حشیانه، رزمیده و در این راه خون داده، شکنجه دیده، زندان کشیده، در معرض کین حیوانی آریامیری و مسکن ساواک‌اش قرار گرفته، ولی لطف‌های پرچم خونین مبارزه را بر زمین ننهد - قضاوت یا مردم ایران و تاریخ ایران است.

اما اینکه دفاع حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پشتیبانی از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی، دفاع و پشتیبانی اصولی است، واقعیتی است که امروز در معرض دید همگان است. هیچ شعبده‌بازی نمی‌تواند آنرا دگرگون جلوه دهد. حزب توده ایران نه فقط در سطح تبلیغات شفاهی و کتبی، نه فقط در تحلیل‌های علمی، نه فقط در اسناد رسمی مصوب ارگانهای رهبری خود، بلکه در عمل، آری در عمل از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده و موثر دفاع کرده است، و عمل چیزی نیست که بتوان بر روی آن خط پلان کشید و یا آنرا واژگونه جلوه داد.

در روزنامه اطلاعات شماره پنجمین ۳۱ اردیبهشت ۶۰ مقاله زهر آگینی چاپ شده، بقلم حسین ابوترایان، مشحون از اهانت و افترا نسبت به حزب توده ایران، بمناسبت بحث آزادی که در تلویزیون صورت گرفته و در آن نماینده حزب توده ایران شرکت داشته است.

با معمولاً به حملات تبلیغاتی اربابشکرانه به حزب توده ایران پاسخ نمی‌دهیم، زیرا پاسخ به هرزه‌گوئی‌ها و هرزه‌نویسی‌ها را در شان حزب توده ایران نمی‌دانیم. ولی «مقاله زهر آگین» نامبرده، قطع نظر از قالب طنز آمیز، ولی موهن آن، اهداف مغرضانه‌ای را تعقیب میکند، که می‌بایستی افشاء شوند.

هدف اول معرفی حزب توده ایران از دیدگاه نه فقط دشمنان حزب توده ایران، بلکه در عین حال دشمنان آگاه انقلاب، که نیک میدانند ایجاد سوءظن، نفاق و خصومت بین نیروهای راستین انقلابی مسلمان و نیروهای راستین انقلابی پیرو سوسیالیسم علمی، تضعیف جبهه انقلاب بسود ضدانقلاب است. متأسفانه باید بلافاصله افزود که علاوه بر دشمنان آگاه انقلاب، هنوز در بین دوستان انقلاب هم هستند کسانی که در معرض تأثیر تبلیغاتی همان دشمنان آگاه انقلاب قرار دارند و ناخواسته با سوءظن به حزب توده ایران و سیاست آن می‌نگرند، آنرا دشمن دوست‌نما می‌پندارند. مهمترین هدف «مقاله زهر آگین» نیز تشدید آن سوءظن و این پندار است.

بدینسان نویسنده «مقاله زهر آگین» به هدف نهائی خود می‌رسد که مخالفت با «بحث آزاد» است، تحت این عنوان که «بحث آزاد» وسیله‌ای در دست حزب توده ایران قرار می‌گیرد، تا بتواند همه نیروهای دشمن انقلاب را جلب و جذب کند، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بشکند و سلطه آمریکا را مجدداً برقرار کند! «بحث آزاد» - بنابراین - نه فقط مفید نیست، بلکه خطرناک است!

«مقاله زهر آگین» با این جمله‌ای که محور تبلیغات آمریکائی برای ترساندن «آخوندها» از «توده‌ایها» ایجاد شکاف و خصومت بین نیروهای راستین انقلابی مسلمان با نیروهای راستین انقلابی پیرو سوسیالیسم علمی است، پایان می‌پذیرد: «آیا باین ترتیب (ترتیب دادن «بحث آزاد» تلویزیونی) هنوز می‌توان انکار کرد که مملکت دست توده‌ای‌ها نیست؟»

دومین هدف نویسنده «مقاله زهر آگین» کوششی مبتذل برای القاء این اندیشه مضحک است که حزب توده ایران «آمریکائی» است! خواهد گفت که این دیگر افترا است که مرغ پخته را هم به‌خنده و امیدارد. ولی مغرضی که بخواهد حزب توده ایران را دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران معرفی کند، ناچار باید آنرا «آمریکائی» بنامد، زیرا همه مردم ایران میدانند که دشمن اصلی آمریکاست. ضمناً باید گفت که این افترا «نوآوری» نویسنده «مقاله زهر آگین» نیست.

«امپریالیسم خبری» در گذشته کوشید حزب تود فارسان را «انگلیسی» معرفی کند، چون در آن زمان امپریالیسم انگلستان دشمن اصلی کشور و مردم ایران بشمار میرفت. اصطلاح «توده‌نفتی» که لیبرالها نشخوار میکنند، ماخوذ از منابع تبلیغاتی انگلیسی است. «نوآوری» نویسنده «مقاله زهر آگین» منحصر به اینست که نام آمریکا را جانشین نام انگلیس کرده است، زیرا دشمن اصلی امروزی آمریکاست. ولی تبلیغات آنروزی انگلیسی و تبلیغات امروزی آمریکائی بر مصداق این ضرب‌المثل انجام گرفته و می‌گیرند که، دزد برای خاک‌پاشیدن در چشم مردم فریاد می‌زند که های، دزد را بگیری!

سومین هدف «مقاله زهر آگین» القاء این شبهه است که گویا «طرفداران لیبرالیسم»، «مترقیون آمریکایی‌پرست»، «می‌می و زیزی و سی‌سی و تی‌تی و تی‌تی و تی‌تی»

باین «ترتیب» ملاحظه میکنیم که نویسنده «مقاله زهر آگین» پس از مقداری به‌خیال خود شعبده‌بازی، درست در «خط» آنهایی قرار می‌گیرد که ظاهراً خواستار «بحث آزاد»ند، ولی باطناً و عملاً مخالفان آن. ولی «بحث آزاد» که در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران آغاز شده، یکی از دستاوردهای مهم ضداستبدادی انقلاب است. سندی است که نشان میدهد در جمهوری اسلامی ایران برخورد عقاید مختلف در زمینه‌های مختلف، برای یافتن بهترین راه برای حل مسائل، میتواند و باید انجام گیرد. سلاحی است که «آزادیخواهان ضد آزادی» را خلع سلاح میکند. وسیله‌ایست که میتواند و باید کمکی به وحدت عمل نیروهای راستین انقلابی و مدافعان صدیق انقلاب، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی بنماید. افشاگر آن گروه‌های «دو دوزه‌بازی» است که در حرف طرفدار و خواستار «بحث آزاد»ند، ولی در عمل مخالف آن.

«خط» «مقاله زهر آگین» هر قدر هم پد رنگهای مختلف عرضه شود، نمیتواند «بحث آزاد» و فوائد آنرا در انظار خلق انقلابی، تخطئه کند.

### هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان گشایش یافت

روز سه‌شنبه ۵ خرداد ۶۰، هیجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان در اولان باتور گشایش یافت. پانصد نماینده این کنگره به بررسی فعالیت‌های حزب در پنجسال گذشته خواهند پرداخت، پیش‌نویس رهنمودهای تحول اقتصادی مغولستان را در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ تصویب خواهند کرد و ارگانهای رهبری حزب انقلابی خلق مغولستان را از نو بر خواهند گزید.

یوشاگین تسدنبال، دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان، در گزارش خود به کنگره پیشنهاد کرد که معاهده‌ای درباره محکوم کردن متقابل دست‌یازی به زور از سوی کشورهای آسیا و منطقه اقیانوس آرام امضاء گردد.

وی همچنین این پیشنهاد را مطرح ساخت که احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای آسیا در کنفرانسی برای تبادل نظر درباره تضمین صلح و امنیت در این قاره شرکت جویند.

یوشاگین تسدنبال اهمیت فراوان پیشنهادی صلح لئونید برژنف را در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی یادآور شد و در این زمینه بویژه ضرورت اتخاذ تدابیر اعتماد آفرین را در خاور - دور خاطر نشان ساخت.

رهبر کمونیست‌های مغولستان تکرانی عمیق خود را از احیای میلیتاریسم ژاپن و گسترش همکاریهای نظامی میان آمریکا و ژاپن اعلام داشت.

بگفته تسدنبال، مناسبات مغولستان با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پیرومندان گسترش می‌یابد. وی در زمینه سیاست داخلی، یادآور شد که:

«برنامه پنجساله جدید مرحله‌ای جدید را در افزایش بهره‌وری مردم آغاز خواهد نهاد. در این دوران درآمد واقعی مردم ۱۴-۱۰ درصد بیشتر خواهد شد.»

در کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، نمایندگان بسیاری از احزاب برادر و سازمانهای آزادی‌بخش شرکت دارند. میخائیل گورباچوف، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ریاست هیئت نمایندگی کمونیست‌های شوروی را بعهده دارد.

حزب توده ایران، که از طرف حزب برادر در مغولستان برای شرکت در کنگره هیجدهم حزب انقلابی خلق مغولستان دعوت شده بود، بعطت محدودیت‌های موجود در زمینه سفر به خارج از کشور، تنها به فرستادن پیام شادباشی به این کنگره اکتفا ورزید. متن این پیام در شماره ۵۲۱ «نامه مردم» بچاپ رسید.

**نامه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر ییزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم»  
هنوز در اختیار  
«نامه مردم» نیست)  
چاپ: کاویان

**NAMEH MARDOM**  
No. 523  
28 May 1981

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر «نامه مردم» مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۵۸۱/۳۵۸۱ منطقه ۱۴ پستی تهران

## باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم